



وظایف تاکتیکی

چریک‌های فدایی خلق ایران
(ارتش رهاییبخش خلق‌های ایران)

پنجاه طره

چهره فدائیس خلق

رفیق شهید کاویان تو بیوان گوهی

تقدیم میشود

با ایمان همه بیروزی راهبان

چهره های فدائیس خلق ایران

(ارزشهای بیخوش خلق ای ایران)

تیرماه ۱۳۶۲

فهرست :

زندگی‌نامه

توضیح "بخش اول"

فصل اول

ماهیت رژیم جمهوری اسلامی

فصل دوم

طبقه کارگر

۱- وضعیت طبقه کارگر

۲- طرح برخی از مسائل ...

۳- نتایجی چند

فصل سوم

۱- روابط ارضی ... دهقانان

الف- خرده مالکی

ب- تولید سرمایه داری

ج- آرباب و رعیتی

۲- مسئله ارضی

۳- پانزده دهقانان....

فصل چهارم:

- خردده پژوهازی شهری

بخش دوم

فصل اول:

- اوضاع کنونی جنبش کمونیستی

فصل دوم:

- استراتژی و تاکتیک انقلاب ایران

فصل سوم

- وظایف اساسی تاکتیکی

x

x

x

توضیحات:

شرح مختصری از زندگی و مبارزه

چیرک فدائی خلق رفیق شهید کاوس تورسواد کوهی (رفیق مهدی
در نیمه شب هشتم اسفند ماه ۱۳۶۰ ، رفیق کاوس تورسواد -

کوهی در جریان تسخیر مقر سپاه پاسداران شهر شیرگاه مازندران هفت
گلوله های مزدوران امیرالهیسم قرار گرفت و پس از پایان موفقیت آمیز عملیات
که منجر به تسخیر مقر مزدوران شد ، به مناطق امن جنگلی منتقل
گردید .

رفیق کاوس بعزت دیر رسیدن تیم امداد ، پس از ساعتها مبارزه
برای زنده ماندن و همکاری با امیرالهیسم ، در شامگاه روز بعد ، همچون
خورشید واپسین که در دوردستها در سینه کس دریا فرو میرود ، در
خون نشست و با آخرین شعله های عشق به توده های زحمتکش که از
چشمانش زبانه کشید ، طلوع فردا را نوید داد .

او در زسیره آن کمونیستهای صادقی بود که با برافراشتن پرچم

مبارزه مسلحانه بر علیه امیرالهیسم و سگهای زنجورش ، به ضرورتهای زمان

پاسخ مناسب داده و به برپائی و گسترش جنگ انقلابی پرداختند .
 رفیق کاورس در سال ۱۳۳۳ در قصبه روسک ، از توابع سواد کوره
 مازندران چشم به جهان گشود . تحصیلات ابتدائی خود را در همان
 جا به پایان رسانید ، و دوره متوسطه را در شهرهای قاشهر و ساری
 طی کرد و سپس به مدرسه عالی بازرگانی تهران (دانشکده مهدی
 رضائی) وارد شد . در همین جا بود که با فعالیت در پرزنامه
 کوهنوردی دانشکده زندگی سیاسی خود را آغاز نمود و در کسوره -
 راهبای پرفراز و نشیب کوهستانها ، در زرقای دره ها و ارج قلعه ها -
 پیوسته راه سخت و طولانی انقلاب را همپیش قدم خود را باز شناخت
 و با گامهای استوار و جانی شایسته پذیرای به پیش رفتن شد ، و در تداوم
 این راه بود که به یک دسته مؤاد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
 راه یافت .

رفیق کاورس در جهان قیام بهمن ماه در مبارزات ضد امپریالیستی
 خلق فعالانه و لهریز از عشق به خلق و ملامت از کینه ای مقدس به
 امپریالیسم شرکت نمود . پس از قیام در ستاد " سازمان چریکهای فدائی
 خلق " در شهر ساری به فعالیت پرداخت و در همین رابطه نخستین
 ناپیشتگاه عکس شهدای سازمان را در روسک تشکیل داد .

او که با اعتقاد به آرمانهای سرخ طبقه کارگر و تئوری مبارزه -
 مسلحانه به سازمان چریکها روی آورده و صادقانه هستی خویش را وقف
 انقلاب رها نمیکند خلقهای ایران و تداوم آن تا نهل به سوسیالیسم و
 کمونیسم کرده بود ، بیاری آگاهی و پیشبردتری خود چه در واقعی
 نمایندگان سیاسی طبقات دیگر را در پشت ماسک ظاهر قریب سازمان
 بیوضوح تشخیص داد و بدین جهت بدین لحظه ای تردید بدفع
 از تئوری مبارزه مسلحانه پرداخته و با اپورتونیسم حاکم بر سازمان
 قاطعانه مرز بندی نموده و برای تداوم بخشیدن بهجات مبارزه انقلابی
 بهفونی چریکهای فدائی خلق پیوست و با پیگیری بانجام وظایف
 تشکیلاتی پرداخته - در ادامه فعالیت خود بود که به همراه رفیق شهید
 "شاهین" و تحت مسئولیت رفیق کبیر شهید عبدالرحیم صهری جنبش
 دانشجویی و دانش آموزی ۱۹ بهمن را پی افکند و با احراز مسئولیت
 کوهنوردی و انتشارات و بخش نشریات فعالیت خویش وسعت بیشتری بخشید
 در ادامه فعالیت خود بود که در سال ۵۹ برای گذراندن دوره -
 سیاسی - نظامی به کردستان اعزام گردید ، و در پایگاه رفیق علی اکبر
 صفائی فراهانی به کسب تجربه پرداخته ، او در اینجا نیز ضمن
 شرکت فعال در کارهای جمعی ، با پیگیری و خستگی ناپذیری به
 جذب تجارب جنگ انقلابی پرداخته ، او میآموخت ، تا آنرا درصصل
 آگاهانه خویش بکار ببندد ، او میآموخت تا با توان هرچه بیشتر در

تخیر انقلابی نظام موجود و آفرینش نظم نوین شرکت نماید . پس از
پایان موفقیت آمیز دوره آموزشی به تهران بازگشت و در همین ایام بود که
بخطرات برخورداری از سرشتی انقلابی ، بسبب عنایت سازمان درآمد و
با احراز مسئولیت رفتاری مواد را شهرهای آمل و قائمشهر عازم شمال
گردید .

رفیق کاروس نیز پس از مدتی فعالیت سازمانی ، مانند بسیاری از رفق
با انحرافات تشکیلات در زمینه عدول از مشی انقلابی و دچار شدن بدنها
که روی از جنبش خود بسخودی و غریق شدن در خرده کاری پس برده و
با جدیت و پیگیری بنقد انحرافات پرداخت و در جریان طرده اپورتونسم
و تمسبه سازمانی سال ۶۰ قاطعانه از میانی تکرری مبارزه مسلحانه
دفاع نمود .

او که مدتی پیش در جهت پیاده نمودن صورتات کنگره بنظور
برپائی و گسترش جنگ انقلابی در شناسائی مناطق جنگلی شمال
شرکت فعالی داشت ، پس از طرده اپورتونسم از پیگر سازمان از
نخستین رفقائی بود که در تاریخ دوم شهریور ماه سال ۶۰ تحت
فرماندهی رفیق کبیر شهید محمد حرشی پسر عازم جنگلهای شمال
گرددند .

رفیق کاروس پس از شرکت در عملیات موفقیت آمیز جاده هسرا ز
بود که حين انجام يك مأموریت ارتباطی با رفقای شهر ، بسبب
گتتهای دشمن مواجه شد و پس از درگیری و انفجارات ماشین گتتی
دشمن با جنگ و گریز به همراه رفیق همسوا خود از منطقه دور شد ، که

این امر باعث قطع ارتباط او با ستون چرکی جنگل گردید . او پس از برقرار نمودن ارتباط با تشکلات شهر به همراه تهمی طایم جنگل شده که پس از یکماه تلاش مراجعت مجدد به شهر مجدد او به ستون چرکی پیوست ؟

رفیق کاویس پس از ۶ ماه مبارزه در شرایط سخت سرانجام در عملیات تسخیر مقر سپاه پاسداران شهر شیرگاه از ناحیه شکم مسرود اصابت گلوله تراز گرفت و ۱۶ ساعت بعد در حالیکه سرود سرخ رطانی را پسر لید داشت ، در غروب زودرس جنگل - آنگاه که بلندترین شاخه ها تن به واپسین انوار آفتاب می ساختند - به شهادت رسید . وقتاً پس از سه خاک سپردن او ، سلاحش را بدوش نهاد و برایش ادامه دادند ، در حالیکه هنوز طنین صدای کاویس در گوش همگی می پیچید که : " وقتاً ، سرا با يك نارنجك بگذاريد و گروه را به خاطر من بخطر نماند ازید " .

یادش جاودان ، راهش پر رهرو باد ؟

با ایمان به پیروزی راهمان

چو کهای فدایی خلق ایران

(ارتش رمالی بخش خلقهای ایران)

توضیح

غلط

بدنهال مبارزه ایدولوژیکی که بر علیه برداشتهای از تئوری مبارزه مسلحانه و اشتباهات و انحرافات تاکتیکی و تشکیلاتی سازمانها گرفته و، منجر به تصفیه سازمانی سال ۶۰ گردید، رفیق کیسمر عبدالرحیم صبری که خود از رهبران این مبارزه بود، به تدوین مقاله ای پرداخت که ضمن جمع بندی مباحث درونی سازمان بطریق مشتمل بر مباحث برگشته مسائل اساسی، بطور کلی وظایف و تکالیف فدائیس خلق را روشن میسود.

نوشته مذکور بعد از تصفیه سال ۶۰ با حک و اصلاح نهائی که از سوی رفیق صبری انجام گرفت، در اختیار رقتای سازمان قرار داده شد که پس از بحث و بررسی بعنوان نقطه نظرات سازمانی به جهت ارائه گردید، اما متأسفانه بر اثر ضیاع سال ۶۰ و ۶۱ که منجر به شهادت رقتای ارزنده ای از جمله رفیق صبری گردید و سپس بدنهال رشد جهان انحلال طلبی، برخورد با مقاله مذکور تاخیر افتاد.

ما اینک ضمن حفظ چارچوب اساسی مقاله و برخی مطالب آن بهمانگونه که بود ، بعضی از قسمتها را (از این لحاظ که برای یک بحث درونی تهیه شده بود) تغییر داده و از نو بازسازی نمودیم و با حک و اصلاح برخی قسمتهای دیگر ، و نیز با افزودن مطالبی ، آنرا به شکل کنونی اش تنظیم نموده و بعنوان نقطه نظرات سازمان انتشار میدهم .

با ایمان به پیروزی و ایمان

جریکهای فدائیی خلقی ایران

(ارتش رها نهی بخش خطهای ایران)

تیرماه ۱۳۶۲

بخش اول

فصل اول

"ماهیت رژیم جمهوری اسلامی"

امیرالیهها خود آشکارا میگویند "ما دارای دوستان و دشمنان
همیشگی نیستیم" بلکه این منافع ماست که پایدار و همیشگی است.
از همین روزگاری که آنها فهمیدند دیگر رژیم سرسپرده شاه نمیتواند
حافظ منافع آنها در ایران باشد، و از سلطه آنها پاسداری کند
با توجه به بحران اقتصادی جهان سرمایه داری و شرایط جدید
مبارزه طبقاتی جامعه ما، که وجه مشخصه آن ارجحی جنبش
ضد امپریالیستی خلقهای میهن ما و تشدید ^{مخا} صحت ما برین امپری-
الیستها بر سر مرزهای بر این منطقه بود، رژیم مزدور شاه را به
کناری نهاد و رژیم مزدور جمهوری اسلامی را جایگزین آن نمودند.
بنابراین تعویض رژیم شاه با رژیم جمهوری اسلامی، نه به معنی
انتقال قدرت دولتی از دست یک طبقه ارتجاعی و ضد خلقی به

طبقه ای انقلابی را طبقه ای که در صف خلق قرار داشت ، بلکه دقیقاً
 معنی تغییر سازماندهی و تاکتیک امپریالیستها جهت مقابله با
 جنبش اعلا یا بنده خلق ما ، تناسب قوای امپریالیستی و کوشش آنها
 برای حفظ سلطه خود در ایران باید درك شود .

امروز دیگر ناکتبه‌های متعدد و قاطعی وجود دارند که وابستگی
 رژیم جمهوری اسلامی به امپریالیستها را ثابت میکنند . خصائل
 پروسه مبارزه طبقاتی در جامعه ، سرکوب شدید مبارزات حق طلبانه همه
 طبقات و اقشار ضد امپریالیست توسط رژیم ، برجانی ساختمان اقتصاد
 گذشته و استثمار و چپاول امپریالیستی ، کوشش رژیم برای ایجاد شرایط
 مطلوب جهت عملکرد منظم نظام اقتصادی کنونی ، جنگ امپریالیستی
 دو دولت ضد خلقی ایران و عراق و تهدام آن ، ضحکه گروگانگیری
 و تابع آن ، سیاست خارجی ارتجاعی رژیم در منطقه ، حفظ و
 تحکیم ارتش ضد خلقی شاه با همان امیران و افسران دست پرورده اربابان
 آمریکائی و گسترش ارگانهای سرکوب از قبیل سپاه پاسداران ، کمیته‌ها ،
 بسیج ، ساواجا و و عملکردهای مشخص اجتماعی آنان و
 همه و همه نشانه های بارزی از این حقیقت اند که رژیم جمهوری
 اسلامی از همان بدو پیدایش خود وابسته با امپریالیستها بوده و در جهت
 پیشبرد سیاستهای آنان کار میکرده است .

امپریالیستها به پشتوانه تجربیات ضد انقلابی و بیماری تنور -

بعضیهای خود اسیر حقیقت یا نسودند که وقوع انقلاب در کشورهای

تحت سلطه آنان امری اجتناب ناپذیر است و خلقهای جهان برای کسب آزادی و استقلال خود بهارزه برخوانند خواست . بر اساس همین حقیقت آنان درصدد برآمدند تا با اتخاذ بکرشته تدابیر جدید و بهر جنبشهای مردمی اثر گذاشته و آنها را از رادیکالیسم انقلابی تهی سازند و در جهت ضائق خود سوق دهند ؟ در بهر تو همین برناشت و بکرشته ملاحظات مشخص دیگر راجع به سیاستهای جهانی و وضعیت مشخص ایران بود که امپریالیستها در شرایطی که خلق ما از تجربه وسیع انقلابی برخوردار نبود و از داشتن یک سازمان انقلابی و بهر تو نیز محروم بود ، از همین و برخی از اعران و انصارش بود . جسته و او را به صورت یک " قهرمان ملی " در راس جنبش خلق ما قرار دادند .

اینکه در ابتدا بخشی از توده ما (۱) رژیم کنونی را حمایت میکردند نشاندهنده این نیست که رژیم مزبور نماینده واقعی توده های مستعبد شده بود ، بلکه بیان کننده این واقعیت است که امپریالیستها منطق بر شرایط و بهر تو جوشی از همه امکانات ضد انقلابی و سیاست های خود را طرحریزی میکنند . آنها با استفاده از شبکه وسیع سازمان مذهب در ایران و کنترل جنبش مردم را در دست گرفته و بکنک روحانیون مرتجع شکل سلطه سیاسی و فرهنگی خود را تخییر دادند ، و بدین ترتیب توانین آشکار ارتجاعی را بهر جامعه تحصیل نموده و صاف و صریح ابتدائی ترین حقوق اجتماعی توده های انقلابی را از آنان سلب نموده و بالاخره بهاری رژیم وابسته جمهوری اسلامی توانستند ارگانهای

سرکوب خود را گسترش دهند .

ما از همان ابتدا شاهد کوششهای وسیع دشمن برای بسط و گسترش و تقویت مادی و معنوی ارگانهای سرکوب بودیم . رژیم کنونی ضمن بازسازی ارتش ، پلیس و ژاندارمیری ، دست به ایجاد ارگانهای هم چون سپاه پاسداران و کمیته ها و بسیج زد که هر یک از آنها دارای عملکردهای مشخصی است ، و در عین حال یکدیگر را یاری میرسانند . ساواک مخفی شاه این بار بنام ساواما (ساواجا) ، و نیز در شکل علنی خود را بصورت سپاه پاسداران و بسیجی ها نشان میدهد ، که جنایتهای ساواک در مقابل اعمال جنایتکارانه ایشان هیچ است . در هر حال رژیم کنونی تمام کوشش خود را برای سازمان دادن و استقرار ارگانهای سرکوب در شهرها و روستاها بکار بسته است . علاوه بر ایجاد سازمانهای رسمی ، سعی میکند با استفاده از عدم آگاهی اجتماعی نوجوانان و همچنین برخی از عناصر و دسته های عقب مانده سیاسی جامعه ، یک شبکه وسیع اطلاعاتی ضد خلقی بوجود آورد . در ظرف مدتی که از عمر رژیم کنونی میگذرد ، جمهوری اسلامی یکدم از سرکوب و جنایتها جنشهای سرودم غفلت نکرده است .

آنها مقابل خواسته های برحق خلقها ، سرسختانه به تعرض و جنایتها ای دست بازده است . بر اساس همین حقایق است که بنظر من تصور رژیم جمهوری اسلامی با رژیم شاه ، نباید بمعنی عقب نشینی تاکتیکی امروزم درک شود ، بلکه دقیقاً باید بمعنی تخریب هر چه

گسترده تر امپریالیستها فهمیده شود . مدتهاست که دیگر ماهیست
 تاکتیک تعرضی امپریالیستها بیش از پیش آشکار گردیده است . در حقیقت
 رژیم جمهوری اسلامی دوره ای از سرکوب را آغاز کرده که هدف آن نابودی
 واحفاء کامل هرگونه مبارزات توده ای و نیروها و سازمانهای انقلابی است
 که در این میان از هیچگونه اقدامی فروگذار نکرده است . با این وجود
 تا کنون رژیم علاوه بر این با اهداف ضد انقلابی خود دست
 یابد . ولی نتیجه آن ، محدود تر شدن دامنه جنبش و تلاش
 و با تضعیف برخی از سازمانها و محدود تر شدن دامنه عملکرد آنها بوده
 است . ضمن اینکه توده ها را بطرز اجتناب ناپذیری رادیکالیزه نموده
 است .

روند حوادث اجتماعی و عملکرد های دولت و پرملا شدن سیاستهای
 ضد خلقی آن ، توهمات بخشهای وسیعی از هواداران رژیم را در هم
 شکست . تا آنجا که امروزه ، تنفر اکثریت بسیار بزرگ جامعه را بر علیه خود
 برانگیخته است . رژیم جمهوری اسلامی ، اکنون از حمایت بخش بسیار
 محدودی از جامعه برخوردار است ، و این امر همیشه برای هر رژیم
 امکان دارد که بخشی از توده های عقب مانده را با خود داشته باشد .
 تنها در جریان تعمیق مبارزه انقلابی است که در این بخش نیز شکست
 افتاده و کثیری از آنان از رژیم جدا شده و به صف انقلاب میروند .
 بنا بر آنچه که گفته شد (و در گذشته نیز همواره بر این امر تاکید
 داشتیم) مطالعات تفصیلی واقعیت یعنی مبارزه طبقاتی و عملکرد های

مختلف و مشخص رژیم جمهوری اسلامی ، در این حقیقت تردیدی باقی
 نمیگذارد که سلطه امپریالیستی همچنان با پرجاست ، و بنا بر این امرها -
 لیستیها و در راس آنها ، امپریالیسم آمریکا عمده ترین و اصلترین دشمن
 انقلاب ایران محسوب میگردد .

علاوه بر منافعی که امپریالیستیها از استثمار تخلق ما دارند ،
 ایران بواسطه یکمرتبه عوامسالیکر از اهمیت بسیار زیادی برای آنها
 برخوردار است از جمله بخش قابل ملاحظه ای از نفت مورد نیاز امپریالیست
 های اروپا و آمریکا ، و نیز امپریالیسم ژاپن از منطقه خلیج فارس تأمین می
 گردد ، که بخش اعظم آن از تنگه هرمز میگردد که تحت کنترل ایران
 قرار دارد . همچنین مسز مشترک و طولانی ایران و شوروی ، با عطف
 توجه بر قایمتهای آمریکا و شوروی در این منطقه ، و علاوه بر موارد فوق ،
 امکانات بالقوه یک ایران انقلابی در اثر گذاری بر روی کل منطقه ، از
 جمله عواملی هستند که اهمیت مسئله ایران را فزونی می بخشند .
 بهین جهت مسئله ماهیت قدرت دولتی در ایران از اهمیت حیاتی
 برای آنها برخوردار است . در نتیجه امپریالیستیها ، و در راس آنها
 امپریالیسم آمریکا که امپریالیست متفوق در ایران است ، در مقابل مزم
 و اراده انقلابی خلق ما جهت رهایی خود از یوغ امپریالیسم ، مقاومتی
 سرخشانه خواهد نمود .

امپریالیستیها بکرنک روحانوی و مذهبون مرتجع و دیگر مزدوران ایرانی
 خود ، سلطه خود را در ایران حفظ کرده اند امروزه بخش بزرگی

از روحانیون وارد دستگاه دولتی شده اند و موقعیت آنها در ماشین دولتی بآنها این امکان را میدهد که سربها وضعت اقتصادی خود را دگرگون سازند . منابع مالی بسیاری در نزد آنها متمرکز شده است . رشوه خواری و استفاده از موقعیت اجتماعی و وضعت اقتصادی آنها را دگرگون میسازد و بسیاری از آنان به سرعت در پیروازی وابسته مستحیصل گشته و بشرط تداوم وضع موجود عده بیشتری از آنها موقعیت اقتصادی پیروازی وابسته را کسب میکنند . از این روحان و تداوم سلطه سیاست امریالهم ، در شکل کنونی اش ، منفع ایندسته از روحانیون و مذهبیو مرتجع است . بهین دلیل آنها در مقابل طبقات انقلابی مقاومت کرده و از بسط و دامنه یافتن مبارزات ضد امریالیست خلق فراسانند و بر علیه آن عمل خواهند کرد .

از نیروهای دیگر که بر علیه انقلاب ایران عمل میکنند ، آن بخش از پیروازی وابسته است که از او خلق بد شده و امروز دیگر تفراتی است . اینها که از خاندان سلطنتی و برخی از امرای ارتش و بوروکراتهای کله گنده تشکیل میشوند ، با تمام نیروهای خود در مقابل انقلاب خلق ما ایستادگی خواهند کرد . اینان در حال تشکیل گروههای مزدوری هستند ، و گروههایی نیز ایجاد کرده اند . البته باید این حقیقت را در نظر داشت ، که علیرغم مخالفت واقعی اینان با رژیم جمهوری اسلامی ، خود برای اقدام مستقیم هیچگونه اختیاری ندارند . اینها نیز جزو سگهای زنجیری امریالهم هستند .

اینکه چرا امپریالیستها، باینها نیز کمک میکنند و اینها را تقویت مینمایند، باید در برتو میاویزات خلق ما و در تضادهای مابین گروههای مائستی امپریالیستی و روشهای سیاسی امپریالیستها بررسی شود.

امپریالیستها همواره کوشش میکنند تا با آمادگی قبلی بتوانند از امکانات متعدد در فرصتهای گوناگون سود بجویند تا در صورتیکه حکومت اکتوسی نتوانست از عهده دفاع از منافع آنها برآید، بتوانند بلافاصله اکثریت مطلق دلخواه خود را جانشین آن سازند و کنترل جنبش را در دست بگیرند.

از دیگر نیروهایی که در مقابل انقلاب خلق ما قرار دارند، میتوان از برخی از قشودالها و خانهای بزرگی نام برد که در برخی از مناطق که هنوز بقایای فئودالیزم و روابط قبیله ای و عشیره ای وجود دارد، با کمک امپریالیستها و مزدوران آنها، دست با ایجاد نیروهای محلی زدند.

در هر حال، همه این نیروهای مسلح را باید جزو نیروهای مسلح ضد انقلاب بحساب آورد، که هسته اصلی آنها ارتش امپریالیستی تشکیل میدهد. البته باید توجه داشت که این اشکال سازماندهی و آرایش و صف بندی نیروهای امپریالیستی، در خطوط کلی خود اشکال جدیدی نیستند که تنها در کشور ما بوجود آمده باشند، بلکه در تاریخ مبارزات انقلابی خلقهای قهرمان کشورهای دیگر نیز میتوان نمونه های آنها را مشاهده کرد. بنابراین، خلق ما برای قطع سلطه

امیرالیم باید نیروهای مسلح ضد انقلاب را ، که هسته اصلی آنها -
ارتش امیرالیمتس تشکیل میدهد ، درهم بشکند .

فصل دوم

طبقه کارگر

طبقه کارگر ایران ، به علت شرایط مادی زیست خود و با اتکا به یگانه تئوری منسجم علمی ، یعنی مارکسیسم - لنینیسم ، انقلابی ترین طبقه جامعه است و به همین جهت ، پیگیرترین دشمن سلطه امپریالیستی بوده و رهبری انقلاب دمکراتیک نوین ایران و تکامل آن به سویالیزم را برعهده دارد .

۱ - وضعیت طبقه کارگر :

کمیت طبقه کارگر ایران در حدود ۵ میلیون نفر است که البته این رقم نمیتواند دقیقی باشد ، زیرا تعاریف آمار دولتی حد و مرز بیسوسن مزد بگیران مختلف را مخدوش میکند ، در نتیجه تعیین دقیق کمیت طبقه کارگر بر مبنای آمار دولتی مشکل میگردد . همین رقم ذکر شده نه تنها در برگیرنده کارگران صنعتی میباشد ، بلکه همه کارگران شهر روستا ، و از آن جمله کارگرانی که بطور رایج کارگران

پسرویه ای نامیده میشوند را نیز در بر میگیرد . (جدول شماره ۱ که از آمارگیری سال ۱۳۵۵ اخذ شده ، نحوه این ترکیب را تا حدودی نشان میدهد .

چه در رژیم گذشته و چه در رژیم کنونی ، کارگران ایران همواره یکی از محرومترین طبقات جامعه ما بوده و هستند . نرخ استثمار کارگران در رژیم گذشته بیش از ۴۲۱٪ بود . وجود ارتش بیکاران ، امنیت شغلی کارگران شاغل را تحت مخاطره دائمی قرار میدهد . شرایط بسیار نامساعد کار فشار سنگین هزینه های زندگی و دستمزد پائین ، آنها را مستأصل کرده است . در شرایط کنونی نرخ بالای تورم ، مزد کم ، گرانی اقلام اصلی ازیان و از آن گذشته ، کمپایی آنها و دیسخراف بیکاری ، عرصه زندگی را بر کارگران تنگ کرده است . به علاوه رقم بسیار چشمگیری از کارگران بیکار وجود دارند که شرایط باز هم سخت تری را از سر میگذرانند .

با نگاهی به نیازات و خواسته های کارگران در چند سال اخیر ، در میابیم که آنان از حداقل امکانات رفاهی و حد اقل حقوق اجتماعی محرومند . عمده خواسته های مشترک کارگران را میتوان به تراز زیر فهرست بندی نمود : ۱- اضافه دستمزد ، ۲- بالا رفتن دستمزد اضافه کاری ، ۳- دوروز تعطیل در هفته ، ۴- حق بیمه ، ۵- حذف مالیات

از مزایا و کاهش بیمه و مالیات از حقوق ، ۶ - بیمه بیکاری ، ۷ - تنفییه
 عناصر ضد کارگری ، ۸ - تأسیس شوراهای و یا سندیکاها و واقعی که
 نمایندگان واقعی کارگران در آنها شرکت داشته باشند ، ۹ - حقوق
 مسکن و یا تأمین مسکن ، مبارزه برای پرداخت سود ویژه ، (البته این
 نکته را باید یاد آوری نمود ، که تحقق برخی از این خواسته ها در
 چارچوب نظام موجود غیر ممکن است) : این خواسته ها نشان میدهد که
 شرایط کار و شرایط زندگی کارگران ما چگونه است ، در بسیاری از کارخانه -
 ها کارگران از ابتدائی ترین وسائل بهداشتی محرومند ، بسیاری از
 کارفرمایان برای کارگران خود حتی وسائل ایاب و ذهاب تهیه نمیکنند ،
 به علت شرایط سخت زندگی ، کارگران مجبور با طاقه کارهای طولانی -
 هستند ، و این باعث تحلیل رفتن تمام قوای فیزیکی و معنوی آنان میشود ،
 در سال ۵۲ و در جریان گسترش جنبش بوده ای ، بسیاری از کارخانه -
 ها و مراکز صنعتی بواسطه اعتصابات کارگران بحالت تعطیل درآمدند ،
 این اعتصابات در ایجاد جو عمومی سیاسی و انقلابی و تشدید عجز
 بیشتر آن ، نقش بسیار زیادی را بازی نمودند ، علاوه بر این ، اعتصابات
 مذکور بیش از همه در بالا بردن روحیه انقلابی کارگران ، میزان جسارت آنها ،
 و ایجاد همبستگی میان آنها ، تأثیرات فراوانی از خود برجای گذاشت ،
 بعد از ۲۲ بهمن نیز ، کارگران دست از مبارزه نکشیدند ، بلکه بلافا -
 صله از همان اسفند ماه ۵۲ مبارزه خود تداوم بخشیدند ، این مبارزات
 در اشکال مسالمت آمیز آغاز شد و با اشکال قهراً آمیز خود نیز رسید ، موارد

متعدد دی مانند گروگانگری و یا ساختن کوکله برای مقابله با پلیس نیز
 اتفاق افتاد . از خصوصیات این مبارزات آن است که حتی عقب مانده ترین
 دستجات کارگران نیز در آنها فعالانه شرکت داشتند .

بعد از روی کار آمدن رژیم کنونی ، اکثریت کارگران تصور میکردند
 که اوضاع نسبت به سابق کاملاً تفاوت کرده است (۲) . اما
 مبارزات بعدی آنها و مشاهده واقعه‌های اجتماعی آنان نشان داد
 که رژیم جمهوری اسلامی نیز همانند سلف خود حامی سلطه سرمایه
 وابسته بوده و از همان نظمی دفاع میکند که رژیم شاه مینمود . بر-
 خوردهای وحشیانه پلیس ، زاندارگری و بخصوص سیاه باساران و کمیته
 ها با کارگران مبارز بیش از پیش برده از ماهیت رژیم برگزفت کارگران خود
 شاهد بودند که همان عناصر مزدور دیروزی فقط با گذاشتن ریش
 در همان منامب . قبلی خود ابقاء شده اند و حتی در بسیاری از
 موارد ، ارتقاء مقام نیز پیدا کرده اند (۳) .

از همان ابتدا ، رژیم جمهوری اسلامی بشدت جنبشهای کارگری
 را سرکوب کرده و بارها حرکات اعتراض آمیز کارگران را بخون کشیده است .
 قتل ناصر توفیقیان ، در همان اوائل روی کار آمدن رژیم کنونی و بعد
 کشت و کشتاری که رژیم در کاوشخانه کفش ملی و اخیراً در خانیا
 برای انداختن ، نشاندهنده عزم راسخ جمهوری اسلامی در
 سرکوب وحشیانه جنبش کارگری میباشد . رژیم پلاوه بر سرکوب قهرآمیز
جنبش کارگری و انتخاب آن بعنوان شیوه اساسی مقابله با جنبش کارگران

از شیوه های دیگر نیز برای فرو نشاندن و از هم پاشیدن این جنبشها
 سود میجوید. از جمله با مارک زدن و بدنام کردن کارگران فعال، ضد
 اسلامی خواندن آنها، دروغ گفتن و شایعه انداختن، تطمیع کردن،
 باج سیل دادن و نهایتاً سعی در خریدن نمایندگان کارگران مبارزه
 سازندهی نیروی ویژه در کارخانه ها، تهدید کارگران و نمایندگان
 آنها، اخراج آنان با بهانه تراشیدهای بی دربی، برآه انداختن تبلیغات
 دامنه دار ضد کمونیستی در کارخانه ها، برآه انداختن باندهای سیاه
 چاقی بدست، مغرور کردن نمایندگان واقعی کارگران، دخالت پانداران
 مسلح، تعقیب و دستگیری کارگران آگاه و مبارز، یورش شایعه پخش
 کارگران فعال و نمایندگان آنان از جمله اعمال دیگر است که رژیم برای
 مقابله با جنبش کارگری بکار میبرد. شوراها و کمیته های فوریستی رژیم در بسیاری از
 موارد ارگان اجرای این امورند. گرچه در شرایط کنونی دامنه جنبش کارگری
 محدود گردیده است با این همه، جنبش کارگری در دوره اخیر از دامنه وسیعی
 برخوردار بود البته باید توجه داشت که جنبش مذکور عمدتاً در پی تحقق
 خواسته های صنفی خود تلاش میکرد و میکند.

۲- سطح برخی از مسائل در رابطه با جنبش طبقه کارگر

هنگام بحث پیرامون وضعیت طبقه کارگر و جنبش کارگری ایران، باید
 دقیقاً تفاوت شرایط شکل گیری و رشد طبقه کارگر و جنبش کارگری فهمنمان

با وضعیت و جنبش طبقه کارگر جوانی که نظام سرمایه داری را به عنوان مرحله ای ضروری و تاریخی پیشگام کلاسیک تجربه کرده اند، توجه کافی مبذول داشت. نادیده گرفتن این تقاضای شرایط از جانب کمونیستها و انتخاب الگوهای تحلیلی پیشین و کوشش در گنجاندن جنبش طبقه کارگر ایران در درون این الگوها و سعی در اخذ نتیجه گیریهای یکسان بر طبق موازین الگوهای مذکور، نه تنها هیچگونه دستاوردهای علمی نخواهد داشت، بلکه حتی از لحاظ علمی نتایج موهبانی به بار میآورد.

ما در اینجا بطرح پاره ای از مسائل اساسی در رابطه با جنبش طبقه کارگر ایران میپردازیم و بدینال آن برخی نتیجه گیریهای مهم را مینماییم:

- ۱- باید باین واقعیت توجه داشت که نهباشی نظام اقتصادی - اجتماعی فئودالی در ایران، اساسا با بسط و گسترش سلطه امپریالیسم مشخص میگردد. جامعه نیمه فئودالی ایران که در اواخر قرن نوزدهم تحولات بیرونی و داخلی را تجربه کرد و از سر میگذراند، به تدریج تحت سلطه امپریالیسم قرار گرفته و به جامعه نیمه مستعمره نیمه فئودالی تبدیل گردید. طی قرن اخیر بر اثر بسط و گسترش روز افزون سلطه امپریالیستی، ساختار اقتصادی - اجتماعی جامعه ایران، علی الخصوص بعد از اصلاحات ارضی "وسعا تغییر کرده و بدین ترتیب سلطه امپریالیستی از شکل نیمه مستعمراتی به شکل نو استعماریش تکامل یافت و جامعه ما چون یک جزء ارگانیک وارد کل سیستم امپریالیستی گردید.

در حقیقت این سلطه امپریالیستی است که تمامی بنیادهای و تغییرات اقتصادی، مناسبات و مبارزه طبقاتی را تحت الشعاع خود قرار داده و به آنها تمین میبخشد. در نتیجه مبارزه طبقاتی در جامعه ما طی قرن اخیر، بر محور یک مبارزه ضد امپریالیستی در میزند.

۲ - سرمایه داری ای که در ایران گسترش یافت و امروزه وسیعاً بر سیستم اقتصادی جامعه قلبه دارد، محصول طبیعی تکامل اقتصادی (تغییر در طرز تولید) و مبارزه طبقاتی جامعه فئودالی بوده، بلکه بر اثر بسط و گسترش سلطه امپریالیستی بوجود آمده است. بدین جهت به سلطه سرمایه داری در کشورهای چینی، ژاپن، آمریکا و غیره از آنکه با گسترش صنعت مشخص شود، با گسترش سرمایه داری پرورکراتیک و مالی مشخص میشود. گرچه چنین گسترشی خواه ناخواه گسترش صنعت را هم بدنبال خواهد داشت، اما چگونه و تا چه حد، نمیتوانیم که بشکل بسیار نامگون، ناقص و پرورکراتیک چنین گسترشی صورت بگیرد.

(مبارزه مسلحانه، هم استراتژی، هم تاکتیک - ص ۱۵۰)*

۳ - سرمایه داری وابسته و پرورکراتیک، بسته به نیازمندیهای سرمایه داری جهانی و تقسیم کار جهانی، بصورتی نامگون و پرورکراتیک در پیوستن ما گسترش یافته است. در این سیستم اقتصادی تکنیک تولید از همان آغاز در سطح عالی قرار دارد. بدیهی است که به محض قطع سلطه امپریالیسم دیگر نمیتواند در روند تولیدی جامعه نوین

* از این پس برای سهولت کار با علامت اختصاری (م.م.ه.ا.ه.ت) نام ببریم.

نقش قبلی خویش را بازی کند . بسیاری از صنایع در ایران ، صنایع
 جانشین واردات است . مثلا ۲۲۸/۵ از مواد اولیه کارخانجات ریختن
 نباتی ، ۲۸۰ مواد اولیه صنایع ماشین آلات و صنایع فلزی ، ۲۸۰ مواد
 اولیه صنعت نساجی ، ۲۵۷ مواد اولیه صنایع وسائل ساختمان ،
 ۲۱/۷۷ مواد اولیه کفشد سازی ، ۲۸۵ تا ۲۱۰۰ مواد اولیه صنعت
 داروسازی و ۲۶ تا ۲۱۰ مواد اولیه صنایع شیمیایی از کشورهای امپری-
 بالیستی وارد میشوند . بدلیل سطح بالای تکنیک و ترکیب پارگانوسک
 سرمایه و گسترش ناموزون و ناقص صنعت ، واحدهای صنعتی بزرگ با توجه
 انبوه کارگران محدود است . طبق یک بررسی که در سال ۱۳۲۲ انجام
 گرفت ، واحدهایی که بیش از ۵۰ کارگر داشته ۲۱۱ کل شانغلان
 و واحدهایی که کارگران آنها بین ۱۰ تا ۵۰ نفر بودند ۶۶ شانغلان
 را در بر میگرفتند . بنابراین ۲۸۳ کل کارگران در واحدهایی که
 کمتر از ۱۰ کارگر داشته ، کار میکردند . طبق برآورد دیگری مقدار کل
 کارگاههای صنعتی بزرگ و کوچک در شهرهای مختلف ایران به ۳۰۳۰۰۰
 بالغ میشوند که در آنها ۱۳۲۵۰۰۰ نفر مشغول بکارند . از این
 کارگاهها تنها ۸۲۰۰ واحد در ردیف کارگاههای بزرگ محسوب میگردد .
 به بیان دیگر ، کارخانه های بزرگ از لحاظ مقدار فقط ۲/۳ کل واحد-
 های صنعتی را تشکیل میدهند و میانگین کارکنان هر واحد صنعتی
 از ۵۰۷ نفر تجاوز نمیکند . این ارقام تراکم بسیار پائین کارگران را در
 واحدهای تولیدی بیان میکند .

هر واحد صنعتی بزرگ ، واحد کم و بیش مستقلی است که سه هدف تا نیازند بهای خود را از یک منبع خارجی امروالیستی تامین میکند . اکثریت قریب باتفاق صنایع در ایران ، صنایع جانسین واردات میباشند . این امر منجر بآن میشود که رشته های مختلفی صنعت رابطه فونکسیونال فعلی با یکدیگر داشته باشند . یعنی چگونگی عملکرد هر یک از آنها بستگی زیادی به عملکرد دیگری ندارد . (۴) این واقعیت در شکل گوری و دامنه گزین و تاثیر گذاری جنبش کارگری نقش زیادی بازی میکند . این ویژگی تا حدودی باعث میشود تا آن زمینه های مادی ای که بخشهای مختلف طبقه کارگر بتوانند حتی در مبارزات حرفه ای خویش ، و بر اساس تجربه مبنی ، وحدت و همبستگی خود را با دیگر رفقای کارگر خود درک کنند ، بسیار محدود گردند . (۵)

۲ - بسیاری از عناصر تشکیل دهنده طبقه کارگر ایران منشاء روستایی دارند و از ترکیبهای قومی و ملی متفاوتی هستند . (۶) یک بررسی نشان میدهد که در حدود ۶۶۳ افراد تشکیل دهنده طبقه کارگر ایران در روستا متولد شده اند . بیشک وجود طبقه هایی با روستا و با وجود پیوند های قومی و یا ملی بر چگونگی عمل مبارزاتی آنها به عنوان طبقه کارگر اثر میگذارد . تنها هملی از کارگران جزو کارگران مشخص بوده و بنامه در زمین کارگران ساده یا با اصطلاح بیل و کلنگی قرار میگیرند . (۷) با توجه به فقدان حقوق ابتدائی زحمتکشان و وجود ارتش عظیم بیکاران ، آنان همواره در معرض خطر و تهدید بیکاری قرار دارند .

این امر از یکسو در خلق و خوی کارگران تاثیر منفی داشته و از سوی دیگر سرمایه دار را از این جنبه در موقعیت برتری برای مقابله با مبارزات کارگران قرار میدهد .

هـ- با توجه به موارد فوق (بویژه ماهیت تحت سلطنتی جامعه ما) مجموعه شرایطی وجود دارد که پشت پرده و رشد طبقه کارگر و مبارزات کارگری تاثیر میبخشد . جنبش طبقه کارگر در ایران پیش از آنکه به صورتی مشخص مبارزه ای بر علیه سرمایه داری باشد ، مبارزه ای اساسا ضد امپریالیستی است . جنبش مزبور باید به مثابه بخشی از جنبش ضد امپریالیستی خلق در نظر گرفته شود .

این درست است که مبارزه بر علیه سلطه سرمایه جهانی عناصری از - مبارزه با خود سرمایه را در بر دارد و با توجه به تغییر کیفی جامعه ایران از نیمه مستعمره - نیمه فئودالی به جامعه ای نو مستعمره این مبارزه هر چه بیشتر به مبارزه بر علیه خود سرمایه مبدل شده است . اما از این حکم چنین بر نیاید که تصور شود ناپودی سلطه سرمایه داری و - بسته و پرورگراتیک به معنی ناپودی مالکیت خصوصی پرورگراتیک و آغاز انقلاب سوسیالیستی است . زیرا آنچه که ماهیت جامعه ما و کلیه تغییر تحولات اقتصادی و اجتماعی آنرا تعیین میکند ، سرمایه داری وابسته و پرورگراتیک نبوده بلکه سلطه امپریالیسم است .

در حقیقت تسلط سرمایه وابسته بر جامعه ما ، خود محصول سلطه سرمایه جهانی بوده و تضاد کار و سرمایه به مثابه تضادی فیزیکی خود معلول

رشد و گسترش این سلطه میباشد: بدین لحاظ چنانچه عامل ادبار و فقر و تهیدستی توده ها، عقبماندگی سیاسی شان، تورم و اختناق وحشیانه رژیم و بطور کلی عامل بازدارنده به شرف جامعه، اساسا در خود سرمایه داری وابسته دیده شود، نه يك خطای تئوریک صرف، بلکه از لحاظ علمی بسیار خطرناک است.

آنچه که به سرمایه داری وابستگین امکان را داد تا بتدریج بر مواضع قدرت اقتصادی دست یابند، باعتبار تسلط سرمایه جهانی (امپریالیسم) بر مبین ما بوده است. همان طوری که میدانیم بورژوازی پس از آنکه بتدریج مواضع قدرت اقتصادی را اشغال میکند دست اندر کار اشغال مواضع قدرت سیاسی میشود تا قدرت اقتصادی خود را بیش از پیش استحکام بخشد. اما در اینجا سلطه اقتصادی امپریالیسم بر شرق، تنها با هجوم سیاسی و نظامی امکان پذیر میشد، و نیز هرگونه ادامه سلطه اقتصادی ناگزیر با قهر ضد انقلابی عظیم بوده است (م. م. ص ۲۲)

پس باین ترتیب در شرایط کنونی جامعه ما مبارزه توده های مردم و از آن جمله مبارزه طبقه کارگر بر علیه سلطه انحصارات امپریالیستی، سرمایه داران وابسته و مالکین بزرگ ارضی، مبارزه بر علیه سرمایه داری بطور کلی نبوده، بلکه اساسا مبارزه ای بر علیه سلطه امپریالیسم (سرمایه جهانی) میباشد.

۲- و اما مبارزه بر علیه سلطه امپریالیسم، عناصری از مبارزه با

خود سرمایه را در بر دارد و در همین حال این مبارزه محتاج به بسیج وسیع
 توده ها است . باین دلیل عناصری از یک انقلاب سوسیالیستی نیز در بطن
 مبارزه ضد امپریالیستی متولد شده و شروع بهوشد میکند . طبقه کارگر به
 مثابه یگانۀ طبقه پشاهتک خلق ، میتواند و باید با تامین همزیستی خویش
 مبارزه ضد امپریالیستی خلق را در جهت پیروزی قطعی انقلاب دیکواتیک
 نوین رهبری نماید . ولی باز از آنجائیکه با قطع سلطه امپریالیسم ، بقا
 هرگز نه روابط سرمایه داری به برقراری پیوندهای نزدیک با امپریالیسم و سپس
 به تحت سلطه قرار گرفتن آن میانجامد ، تبدیل انقلاب دیکواتیک نوین
 با انقلاب سوسیالیستی امری اجتناب ناپذیر است ؛ در نتیجه همزیستی پیروز
 لتاریخا بدل بدیکواتوری شده و انقلاب سوسیالیستی عملاً آغاز میگردد . بدین
 ترتیب است که مبارزه بر علیه امپریالیسم به مبارزه بر علیه سرمایه داری ، و
 مبارزه با سلب مالکیت امپریالیستی به سلب مالکیت سوسیالیستی بدل میشود .
 ۲ - عامل اصلی ابقاء سلطه امپریالیسم قهر ضد انقلابی است .
 امپریالیسم اساساً با اعمال قهر ضد انقلابی و بطور سیستماتیک و به
 استفاده از تجربیات ضد انقلابی فراتانی که اندرخته سالیان دراز مبارزه
 بر علیه جنبش مردم متعدیده و پیروزه بر علیه جنبش کارگر است . مبارزات حق
 طلبانه توده های مردم ما را بشدت سرکوب میکند . مبارزه ضد امپریالیستی
 خلق و در راس آن جنبش طبقه کارگر تحت شرایط حاکمیت امپریالیستی که
 حاکمیتی متکی به سرنیزه است ، در اشکال اقتصادی و صرفاً سیاسی است .
 بسط و گسترش نیافته و سازمانهای توده ای وابسته باین اشکال مبارزه نوسر

طبعاً نمیتوانند بوجود آیند و هر چند گاه تحت شرایط معینی جنبش
 مبارزاتی شکل میگیرند که هنوز رشد نکرده با کشتار وسیع توده ها و
 انتقال بهین بخون می نشینند و برحسبانه ترین شکل ممکن سرکوب میگردد
 این شرایط سیاسی وسیعاً و تشدیداً تهر آمیز و بر روی جنبش طبقه کارگر
 اثر گذاری میکند و بطوریکه طبقه کارگر ایران را از داشتن ابتدائی ترین
 تشکلهای طبقاتی و حتی آگاهی توده یونیورسی نیز محروم ساخته است
 بدیهی است که تحت این شرایط و پروسه تشکل خلق و مشخصاً پروسه
 تشکل و کسب خود آگاهی طبقاتی کارگران ویژگی خاصی مییابد که بر
 طبقه موازین الگوهای شناخته شده پوشین نمیتواند انجام بپذیرد
 طبقه کارگر ایران تنها در جریان مبارزه مسلحانه طولانی بر علیه سلطه
 امپریالیسم و در جریان پیوج کل خلق و همراه با بردن آگاهی انقلابی
 از جانب پیمانشانگ پرولتری و تشکل یافته و خود آگاهی کسب میکند و
 این طریق سازمان مستقل سیاسی خویش (حزب کمونیست) را پرورش
 میآورد .

۲ - نتایج جنبش :

خصیلت عده جنبش کارگری در شرایط کنونی و خصیلت اکثریت آن
 است . بخشی از آریستوکراسی کارگران ایران حامل اندیشه های منحط
 رفویستی ، روزیونیستی و اپورتونیستی در جنبش طبقه کارگر است . آریستو
 کراسی کارگری در ایران ، هنگامیکه بعنوان یک تشدد در نظر گرفته شود ،

دارای یک نقش ضد انقلابی و ضد کارگری در جنبش طبقه کارگر ایران است.
 گسترش منافع امپریالیستی در ایران و نحوه این گسترش، یک قشر
 نسبتاً محدودی در میان کارگران بوجود آورده است که از نظر شرایط
 زندگی و جهان بینی با دیگر کارگران تفاوت اساسی دارد. این قشر که
 بیشتر از کارگران ماهر و تکنسین ها تشکیل میشود، نقش منفی نسبتاً مهمی
 در جنبش طبقه کارگر بازی میکند: حقوق مبالغه آنها حتی در شرایط
 کنونی به ۱۵۰۰۰ هزار تومان نیز میرسد. بخشی از آنان یکسره در خدمت
 قدرت ریز قرار گرفته و آشکارا از دشمنان طبقه کارگر حمایت میکنند. بخش
 دیگر در موضع "اپوزیسیون" قرار دارند. عمدتاً همین کارگران زیر پوشش
 تبلیغی و ترویجی جریانات اپوزیتیویستی و رونیونیستی قرار میگیرند. اینان
 به علت رفاہ مادی، میزان تحصیلات و سابقه تجوی خود بیش از کارگران دیگر
 فرصت مطالعه و تجسس ارتباط با محافل "روشنفکری" را دارا هستند.
 به دست بدلیل همین عوامل و روشنگاری آنان در مبارزات صنفی کارگران است
 که معمولاً اعتقاد دیگر کارگران را جلب نموده و دارای نفوذ معنوی در میان
 آنها هستند. همین بخش از کارگران هستند که عمدتاً حاصل اندیشه
 های منحط رونیونیستی، اپوزیتیویستی و رونیونیستی در جنبش طبقه کارگر
 ایران میباشد. (۸) نتایج مثبت مبارزه اکونیومیستی طبقه کارگر پیش از
 همه نصیب همین قشر میگردد و به همین جهت نیز آنها همواره در مسأله
 اکونیومیستی پیشقدم بوده و در این زمینه دارای تجربیات زیادی هستند.
 این بخش از طبقه کارگر در تغییر وضع موجود منافعی ندارد، بلکه اساساً

منافع آنان در تثبیت وضع موجود نهفته است. اختلال در تولید، اعمال انقلابی، نا آرامی سیاسی، رادیکالیزه شدن جنبش کارگری، همه و همه اینها مستقیماً منافع آنها را به خطر انداخته و مبنای پسرای کاهش نفوذ آنان در میان توده ها میگردد. بنابراین منافع این بخش از طبقه کارگر در جلوگیری از رشد و گسترش دامنه جنبش انقلابی کارگران میباشد. سازج، مانهای عمده این اریستوکراتهای خائن پسه طبقه کارگر، همان اکثر و حزب توده، یخائن هستند. (۹) کسانیکه در این سازمانها گرد هم جمع شده اند، تمام هوش و ابتکار خود را برای بازداشتن جنبش انقلابی بکار گرفته اند. یکی از مهمترین وظایف انقلابیون کمونیست وسوا نودن و منفرد کردن همین عناصر و جریانات خائن به طبقه کارگر است.

امسا رادیکالیزه کردن جنبش طبقه کارگر در چارچوب مبارزه اکتونومیستی و یا حتی صرفاً کارگری، امکان پذیر نیست. تجربه جنبش ضد امپریالیستی خلق دقیقاً و بوضوح نشان داده است که اندازه نفوذ معنوی یک سازمان انقلابی در میان کارگران و حمایت مادی آنان از سازمان مفروض، بستگی تام باندازه تاثیرگذاری سازمان مورد نظر بر کل جنبش ضد امپریالیستی خلق دارد. تا وقتی که سازمانی بعنوان یک نیروی جهی سیاسی در جامعه شناخته نگردد، نمیتواند حتی بر جنبش اکتونومیستی طبقه کارگر اثرگذاری مهمی داشته باشد. تعداد زیادی از سازمانهای موجود درون جنبش کمونیستی تصور میکنند که تنها با شرکت در مبارزات طبقه کارگر و بخش اوراق انشاگرانه است که میتواند طبقه کارگر را

سازمان داده .

اینان که تصور درستی از ماهیت تحت سلطگی جامعه ایران ندارند .
 شمارهایی مانند نظارت بر تولید و مدیریت کارخانه ها بدست کارگران و
 را در میان کارگران تبلیغ و ترویج نمایند . این شعارها که
 زمانی به توصیه کمینترین در جنبش طبقه کارگر سراسر جهان بعنوان انقلاب -
 بهترین شعارها تبلیغ و ترویج میشد . در شرایط جامعه تحت سلطه ما
 جز آشتی طبقاتی و بیگانه نگاه داشتن طبقه کارگر از موقعیت خودش هیچ
 معنای دیگری ندارد و باعث قتل شدن روح و روان طبقه کارگر میگردد .
 در شرایطی که همه شرایط تولید تحت کنترل کامل امپریالیستها و
 نوکران ایرانی شان قرار دارد . در شرایطی که حاکمیت امپریالیستی اسام
 متکی به سرنیزه است ، پکارگران توصیه میشود که " کنترل تولید " را در دست
 بگیرند . بدون آنکه این امر با درهم شکستن ارتش امپریالیستی و تغییر
 در ساخت اقتصادی جامعه همراه باشد . در همین حال چنین دورگی از
 شرایط اقتصادی - اجتماعی جامعه و وضعیت طبقه کارگر ، منجر به آن
 میگردد که روشهای کار شناخته شده " انقلاب بیون کشورهای دیگر الگوری
 کار انقلاب بیون ایران قرار گیرد . تحلیل نتایج کار مبارزین نشان میدهد
 که این روشها در تغییر وضعیت طبقه کارگر ما در مبارزه طبقاتی و هم -
 چنین رشد قوای معنوی آنها چندان موثر نیستند . از سوی دیگر
 بسیاری از این سازمانها با اشاره به دانش طبقاتی طبقه کارگر ، به مبارزه
 اکتونومیستی بعنوان یک مرحله " ضروری " نگاه کرده و تمام فعالیت خود را

در میان طبقه کارگر بتدارك برای برآه انداختن يك اعتصاب و یا اعتراض دستجمعی کارگران این یا آن کارخانه محدود میسازند ، که در این میان آیهستوکراسی کارگری خدمتکار حلقه پگوش آیهسات .

بنظر ما در جریان جنگ توده ای طولانی بولویه دولت امپریالیستی و منظور سرنگونی آن است که کارگران آگاه و متشکل میشوند و سازمان مستقل خود را برای اعمال مرموزی بر جنبش ضد امپریالیستی ، برپا میسازند ؛ تنها با تقویت سازمان سیاسی - نظامی ، گسترش جنگ انقلابی و توضیح و تشریح این براتیک انقلابی است که میتوان بر کل جنبش طبقه کارگر اثرگذاری نمود . طبقه کارگر ما ، در عمل نشان داده است که تنها به سازمانها توجه دارد که در حیات سیاسی جامعه میتوانند نقش انقلابی بازی کنند . علییض آنکه بسیاری از سازمانها همه فعالیت خود را بزوی با اصطلاح کار افساگرانة و آگاهی دهنده در دین کارخانه ها متمرکز نموده اند ، از این مسیر نتوانسته اند بیک نیروی قابل توجهی تبدیل شوند . بنا بر این بروسه تشکل طبقاتی پرولتاریا در جریان گسترش جنگ انقلابی و بسیج کل خلق امکان پذیر است . همچنین باید بیساده داشت که شرط پیدایش دوام سازمانها و اشکال دیگر مبارزات توده ای در گو رشد و گسترش مبارزه مسلحانه انقلابی و در چارچوب آن امکان پذیر است ، زیرا پیدایش دوام هر سازمان و قدرت عملکرد آن بستگی به محیط اجتماعی معینی دارد . باید با ارزیابی عینی ، آن شیوه هایی از مبارزه را برگزید که بتوانند محتوای انقلابی را به پیش برند و با نتایج حاصل

از بکارگیری آنها، زمینه‌های مرحله‌عالتی برای گسترش جنبش انقلابی فراهم شود.

در شرایط جامعه ما، مبارزه سیاسی - نظامی شیوه اصلی مبارزه و سازمان سیاسی - نظامی شکل اصلی تشکل است و همانگونه که گفتیم امکان رشد و گسترش شیوه‌های دیگر مبارزه و اشکال دیگر سازمان در گور رشد و گسترش مبارزه مسلحانه است. از این حقیقت دوکی ساده و یکجانبه نباید داشت. وقتی می‌گوئیم رشد و گسترش مبارزه مسلحانه، شروط رشد و گسترش شیوه‌های دیگر مبارزه و اشکال دیگر سازمانی است و ما وقتی می‌گوئیم مبارزه مسلحانه، زمینه رشد و گسترش همه اشکال دیگر مبارزه است. بدین معنی است که مبارزه مسلحانه آنچنان شرایطی را می‌آفریند که اشکال دیگر سازمان امکان پیدا پیشرو دوام بدست آورده و شیوه‌های دیگر مبارزه می‌توانند نقش موثری در تصویر انقلابی جامعه بازی کنند. (پنویح شماره ۱۲ درباره مناطق سنخ رجوع شود.)

فصل دوم

دهقانان

الف - روابط ارضی و ترکیب قشر بندی روستائیان

پیش از "اصلاحات ارضی" روابط تولیدی حاکم بر روستاها ، روابط قشری بود . اصلاحات ارضی امری الهی این روابط را اساساً در هم شکست و سطر سرمایه واپسته را تا دور افتاده ترین روستاها ببرد . بدین ترتیب دهقانان از همان ابتدای اصلاحات ارضی "در دام سرمایه واپسته گرفتار آمدند . طبق قانون "اصلاحات ارضی" ، تنها زمینهای تقسیم شد که زاهدین بشیوه نصفه کاری و یا نسق کاری روی آنها کار میکردند . بدین ترتیب زمینهای مکانیزه و یا مزاحی که زاهدین به صورت مزد بگیر روی آنها کار میکردند ، از تقسیم معاف شدند ، و تازه زمینهای همی هم که بین دهقانان نصفه کار و صاحب نسق تقسیم گردید ، عمدتاً از نوعاً مغرب آن بودند . نتیجه اینکه پیش از ۶۲٪ از روستائیان برای همیشه از داشتن زمین محروم شدند . بسیاری از اینان در نتیجه عراقب "اصلاحات ارضی" یا آواره شهرها شدند ، و یا بصورت کارگران مزدور در

کشت و صنعتها درآیند و یا اینکه بصورت کارگران مزد بگیر در فصول
 زراعی روی زمینهای " اربابان " و یا دهقانان مریکه بکار برداخته و در
 فصل غیر زراعی ، بشهرها رفته و بکارگری روی آورده اند . و تازه زمانی
 هم که اینان بکار کشاورزی بر روی زمین دیگران اشتغال داشتند ، عمدتاً
 بصورت روزمزدی بوده و در هفته بطور متوسط ۴-۵ روز میتوانستند کساری
 برای خود دست و پا کنند .

لازم بتوضیح است که در مناطقی هم " اصلاحات ارضی " انجام نگرفت
 و در نتیجه نظام ارباب - رعیتی حفظ شد .

در حال حاضر روابط ارضی را در روستاهای ایران با شکل زیر
 میتوان مشاهده نمود .

الف - خرد مالکی

این شکل از مالکیت اگرچه پیش از " اصلاحات ارضی " نیز وجود داشت
 ولی پس از آن در بعد بسیار سهمگیری در عرصه روستا حضور پیدا کرده .
 دهقانان نیمه سرف اگرچه در نتیجه " اصلاحات ارضی " از بند فئودال
 رسته بودند ، با این حال اینان را بهیچوجه نباید بعنوان دهقانان
 آزاد بحساب آورد . زیرا بلافاصله در دام سرمایه امپریالیستی گرفتار آمدند
 و از همان نخستین روز بدست آوردن قطعه زمین ، نور مالک شد نشان
 تحت فشارهای زمین که میبایستی بدولت میبرد اختد و تحت شرایط

نامطلوب زایل شد . رباخواران در شهر و روستا و نیز بانکها ، آخرین
 رتبه‌های دهقانان زحمتکش را کشیدند . چنانکه بررسی‌های نشان می‌دهند ،
 حتی ۸ سال پس از " اصلاحات ارضی " تا حدود ۶۷۰ مایه‌های دهقانان
 تهیدست از رباخواران روستائی تامین میشد . بر طبق آمارهای موجود
 در حدود ۶۵۵ وام‌هاییکه دهقانان تهیدست از منابع مختلف گرفته‌اند ،
 صرف تامین معاش آنان شده است ، و حدوداً ۶۹۱ دهقانان ادعا کرده
 اند که توانائی مخارج کشاورزی را ندارند . (۱۰)

خلاصه اینکه بازتولید دهقانان نه تنها نمیتوانست در مقیاس وسیع‌تر
 تکرار شود ، بلکه آنان مجبور بودند که برای بازتولید خود در همان مقیاس
 پیشین به بانکها و رباخواران پناه ببرند . در نتیجه در طول این پروسه
 همیشه اسیر سرمایه بوده و ریز ریز فقیرتر میشدند . این واقعیت همراهِ
 با پروسه‌های دیگری که به موازات آن جریان داشت ، از قبیل از بین رفتن
 دیگر منابع درآمد روستائی مانند پرورش دام و طیور و صنایع دستی و ...
 موجب آن میشد که سرانجام دهقانان تهیدست از خانه و کاشانه خود
 رانده شوند و آواره شهرها گردند .

ترکیب قشر بندی دهقانان خرده مالک :

دهقانان تهیدست ؛ بآندسته از روستائیان گفته میشود که
 دارای قطعه زمین کوچکی بوده و با کار بیروی آن و در موارد بسیاری

دست زدن بکارهای دیگر (اجاره داری ، کار پروری زمین دهقانان مرفه و یا بزرگ مالکان ، کارگری در شهرها در فصل غیر زراعی و ...) امرار معاش نمایند . اگر چه وسعت زمین معیار ما برای تشریحی دهقانان نیست ، اما حدودا میتوان گفت که دهقانانی که تا حد اکثر ۲ هکتار زمین دارند ، جز این دسته محسوب میشوند . قریب ۶۲۱ دهقانان ایران در این دسته جای میگیرند . این عده با جمعیتی که اندکی بیش از یکمیلیون خانوار است تنها ۷۰۰۰۰ هکتار ، یعنی ۶۲/۵ کیلو ساحت اراضی مزروعی را در اختیار دارند . این تناسب بطرز وحشتناکی فقر و تنگدستی را در روستاهای مبین ما نشان میدهد . اینان از نیروهای ثابت قدم در انقلاب ضد امپریالیسم - دیکراتیک ما هستند .

سرطبق آمار رسمی ۵۲۶۶۹ خانوار روستایی که در مجوع ۶۲/۲ کل بهره برداران را تشکیل میدهند و از دهقانان تبه دست محسوب میگردد ، در نظام استیجاری پسر میبزند که از میان اینان ۲۲۱۲ خانوار اساسا فاقد زمین میباشد .

دهقانان میانگه حال ؛ اینان عمدتا خود و خانواده شان پروری زمینهای خود بتولید زراعی اشتغال داشته و دارای آن حد اقل زمینی هستند که کفاف معاش خانواده شان را میکند . در این جا ذکر يك نکته را ضروری میدانیم و آن اینکه حد اقل زمینی که کفاف

معاش خانواده را بکنند ، در شرایط مختلف ، بر حسب حاصلخیزی خاک ، تنوع تولید ، بهره‌گیری از تکنولوژی و ... متفاوت است . در هر حال میتوان گفت که دهقانان میانه‌حال در ایران ۱۰ - ۲ هکتار زمین در اختیار دارند . اینان با جمعیتی بالغ بر ۱۷۰۰۰۰ خانوار در حدود ۴۵۰۰۰۰۰ هکتار یعنی ۲۸/۵٪ کل مساحت ارضی مزرعی را در اختیار خود دارند . دهقانان میانه‌حال نیز از ستم سرمایه‌هاسته رنج برد ، و توسط بانکها استعمار میشوند . اینان نیز از متحدین پولتاریا در انقلاب حاضر میباشند .

دهقانان ثروتمند : اینان در کنار زمینهای خود زندگی کرده و ضمن آنکه خود و خانواده شان بر روی زمینهای خود بتولید زراعی اشتغال دارند ، از نیروی کارگران مزد بگیر و بزرگسازان که موجب آنان بر حسب شرایط و عرف و سنت تعیین میشود ، برای تولید زراعی سود میچینند . ایندسته از دهقانان با جمعیتی معادل ۲۲۸۰۷۴ خانوار ، در حدود ۷۵۰۰۰۰ هکتار ، یعنی ۴۵/۵٪ کل اراضی مزرعی ایران را در اختیار خود دارند . اینان جزو گروههای متزلزل و ناپایدار انقلاب هستند . برخورد انقلاب‌پدهقانان مرفه بستگی به موقعیت شخصی و وضعیت سیاسی هر کدام از آنان دارد .

ب... تولید سرمایه داری و این شکل از تولید گوجه پهنراز
 "املاحات ارضی" نیز موجود بوده. ولی پهنراز آن گسترش بیشتری
 پیدا کرد. این شکل از تولید مجدد نیروی شده است که در انقلاب...
 حاضر دارای نقش قابل توجهی است. و آن پهنرازی روستاست. اینان
 تحت شدیدترین استثمار سرمایه امپریالیستی قرار دارند.

علاوه بر دولت که زمینهای وسیعی را بصورت کشت و صنعت و به
 شبهه سرمایه دارانه بزرگکشت پرده است. مالکین و سرمایه دارانی که
 در بخش کشاورزی به سرمایه گذاری اقدام کرده اند. با داشتن
 امکانات مالی بسیار و با استفاده از هزاران رشته ای که آنان را به سرمایه
 مالی و بوروکراتیک پیوند میدهد. در این حوزه از تولید به برگردن
 کیسه های خود اشتغال دارند. اینان با حفر چاههای عمیق و در
 اختیار گرفتن ماشین آلات کاشت و داشت و برداشت و بکارگیری بسیاری
 از امکانات که در سود آوری کار زراعت دخیل اند. علاوه بر استثمار
 وحشیانه پهنرازی روستا. به استثمار دهقانان خرده پا و تهیدست نیز
 میپردازند. در حالیکه دهقانان خرده مالک برای تولید زراعت خود
 مجبورند ماشین آلات آنان را اجاره نمایند. و یا بخرند آب از انسان
 مبادرت ورزند. ضمن اینکه همیشه در معرض خطر تصرف تکه زمین خود
 از سوی آنان قرار دارند.

این دسته از زمینداران که فقط ۱٪ کل بهره برداران را تشکیل
 میدهند. وسعت زمین شان بالغ بر ۳۵۰۰۰۰۰ هکتار. یعنی

۶۲۱ / ۵ کل اراضی مزروعی ایران است . (مقایسه شود با مالکیت دهقانان
 نیمه دست و میانه حال) .

بسر طبق آمارهای دولتی ۲۱۲ واحد کشت و صنعت در ایران
 فعالیت داشته که در حدود ۲۲۸۰۰۰ هکتار از اراضی مزروعی را در
 اختیار خود گرفته بودند . از میان این شرکتها ۷ واحد متعلق به
 دولت بوده که جمعا ۱۲۴۰۰۰ هکتار زمین را زیر کشت سپرده . ۲۰۲
 واحد دیگر با مساحت ۴۰۰۰۰ هکتار بصورت خصوصی اداره میشوند
 و ۴ واحد دولتی - خصوصی نیز با ۶۲۰۰۰ هکتار زمین مزروعی به
 فعالیت زراعی به شیوه سرطایه دارانه اشتغال داشتند . شرکتها ی -
 سهامی زراعی نیز که مدیریت آن توسط دولت بوده ، در این تقسیم بندی
 قرار میگیرند .

ج - بالاخره نوع سوم در روابط ارض ایران ، همان روابط
 ارباب - رعیتی است که پیش از " اصلاحات ارضی " مدگی داشت و اکنون
 نیز در بعضی از نقاط بصورت محدود وجود دارد . روستاهایی که تحت
 نظام ارباب - رعیتی قرار دارند ، از متعددین پرناتورها در مرحله
 نعلی انقلاب میباشند .

۲ - مسله ارضی و جنبش انقلابی دهقانان

برخورد بسیاری از نیروهای کمونیستی با مسله ارضی و جنبش دهقانی

ایران همچون برخورداران با سرمایه داری و جنبش طبقه کارگر ایران است. اینان در این مورد نیز با انتخاب الگوهای تحلیلی پیشین، سعی دارند که مسئله ارضی و جنبش دهقانی را در دین این الگوها بگنجانند و طیماً نتایج یکسانی بر طبق موازین الگوهای مذکور بدست می‌آورند. این امر موجب می‌گردد تا آنها نتوانند برخورداری اصولی با مسئله ارضی و جنبش دهقانی بنمایند. ما در اینجا نقطه نظرات خبیب را در مورد مسئله ارضی و جنبش دهقانی باجمال بیان میکنیم:

هنگامیکه "اصلاحات ارضی" در مبین ما اتفاق افتاد، بسیاری از نیروهای کمونیستی این واقعه را صرفاً یک دروغ پنداشته و بدین جهت نتوانستند با آن برخوردار درستی بکنند. زیرا که تفسیرات مزبور، درچاره چوب فرمولهای تئوریک پذیرفته شده از جانب آنان نمیگنجد. اما بسط گسترش روزافزون سلطه سرمایه داری وابسته و بورژوازیک، چه در شهر و چه در روستا را - که واقعیتی انکارناپذیر بود - دیگر کسی نمیتوانست نادیده بگیرد. بدین ترتیب اینان مجبور شدند که به ارزیابی این "تحولات" بنشینند و ولی باز از آنجائیکه تئوریهای پذیرفته شده - (تئوری جامعه نیمه مستعمره - نیمه فئودالی) را بدرستی درک نمی - کردند بجای اینکه در پرتو تئوری مذکور تحولات ادعائی را - مورد بررسی قرار دهند، آنها را کرده و با انتخاب الگوهای دیگر به بررسی "اصلاحات ارضی" روی آوردند.

امروزه بسیاری براین باورند که با "اصلاحات ارضی"، روند

کند تحولات فئودالی پایان یافته و جامعه ایران به جامعه سرمایه داری
مبدل شده است ، و بدین ترتیب مبارزه طبقاتی بر محور مبارزه بین پرولتار-
رسا و بورژوازی دور میزند .^۵ برای مثال است که اینان بدین نتیجه
میرسند که مسئله ارضی بطور کلی در ایران از بین رفته و جنبش دهقانان
را نباید اساسا در گام ریشه جنبش انقلابی گنجانید .^۶

باید گفت که این برداشت آشکارا با واقعیت عینی در تضاد است .
با اعتقاد ما " اصلاحات ارضی " به تضاد میان سلطه امپریالیسم رطلطبه
فئودالیسم پایان بخشید و شرایط مساعدی را برای بسط و گسترش سلطه
سرمایه داری وابسته و بورژوازی در روستا بوجود آورد . با این برداشت
از " اصلاحات ارضی " است که ما معتقدیم مسئله ارضی در ایران حل نشده
و تنها شکل آن تغییر کرده است . بنا بر این جنبش دهقانان به مثابه
جنبش ضد فئودالی - ضد امپریالیستی ، بیشتر به مبارزه ضد امپریال-
یستی بدل گردیده است . در حقیقت با اصطلاح " انقلاب سفید " نه
تنها دردی از دردهای اکثریت قاطع روستائیان را دوا نکرد ، بلکه
در مقیاس وسیع ، تضاد رعیت و ارباب را در تضاد دهقانان با
بورژوازی و ماشین سرکوب کننده دولت جمع کرد . بدین ترتیب با شدت
بخشیدن باین تضاد و آشکار کردن آن ، دهقانان را در امر شناخت
دشمن واقعی و ماهیت آن کمک کرد . تضاد شدید بخش عمده ای
از دهقانان با گارد جنگلها و مراتع که بورژوازی برای حفظ جنگلها و
مراتع بوجود آورده (جنگلها و مراتع) که برای آن با اصطلاح " ملی "

شده اند که زمینه برای ورود سرمایه وابسته فراهم شود ، که چسب يك مشت پفوز را برتر کند) ، تضاد يک پكرات به برخورد های سلحانه هم کشیده شده ، مبین تضاد عمیق دهقانان با ماشین دولتی وابسته به امپریالیسم است* (م.م.ه.ا.ه.ت.ص. ۲۰)

در حقیقت با استقرار سلطه امپریالیسم ، مسئله ارضی در ایران از يك مسئله مربوط به انقلاب دمکراتیک يک مسئله انقلاب دمکراتیک نوین مبدل گردیده است و این مسئله را تنها در رابطه با سلطه امپریالیسم و در جریا قطع این سلطه میتوان حل نمود . بدین ترتیب با این دورک از مسئله ارضی است که مکان و جایگاه واقعی جنبش انقلابی دهقانی میتواند به درستی ارزیابی گردد . مبارزه بخش عظیمی از توده ها روستائی (پرولتا- رها ، نیمه پرولتاریا و خرده مالکین) بر علیه زمینداران بزرگ ، بوروکراسی فاسد ، شاخه های مالی بوروکراسی وابسته و رباخواران بزرگ باید دقیقاً پمنا به بخشی از مبارزه جنبش ضد امپریالیستی خلق در نظر گرفته شود . بدین جهت است که مسئله ارضی و جنبش دهقانی یکی از مسائل اساسی انقلاب دمکراتیک نوین محسوب شده و پیشاهنگام پرولتری نیز باید با این امر توجه داشته باشند که دهقانان در شرایط کنونی یکی از نیروهای محرک انقلاب دمکراتیک نوین میباشند و بدون بسیج این توده های وسیع روستائی ، امکان پیروزی انقلاب دمکراتیک نوین وجود ندارد .

ممكن است پرسیده شود که روش پرولتاریای انقلابی در برخورد با مسئله ارضی و جنبش دهقانی چگونه باید باشد ؟ آیا مثلا زمین تقسیم

خواهد شد ؟ آیا زمین بشکل اشتراکی اداره میگردد ؟ و یا اینکه
 کمرهای دهقانی برپا خواهد گشت ؟ و بنظر ما طرح مسئله باین
 شکل غلط است ، زیرا قبل از هر چیز باید باین نکته توجه داشت که -
 حل مسئله ارضی و نقش جنبش دهقانی در قیام بطح سلطه امپریالیسم و بسط و
 گسترش جنگ انقلابی بنظر رطیح این سلطه وابسته است . بدیهی است که
 برنامه مشخصی بطرح مینماید که این مسئله بعنوان موضوعی عملی و
 مشخص در دستور روز انقلاب قرار بگیرد . ولی آنچه که باید پو شاهنگ بود -
 نیروی تا قبل از رسیدن باین نقطه از حرکت تکاطبی جنگ انقلابی بسندان
 توجه کند این است که دقیقاً روشن سازد که کدام اقتدار دهقانی
 متحدین پرولتاریا محسوب شده و از نیروهای ثابت قدم انقلاب هستند ،
 و کدام قشر از دهقانان نیروی متزلزل میباشند ، و همانا چگونه باید
 این نیروها را برای درهم شکستن دستگاه بوروکراسی و نظامی فاسد امپری-
 والیستی و تطح نفوذ شاخه های سلطه طالی بوروکراسی وابسته ، معادله
 املاک زمینداران بزرگ و دولت وابسته ، بسیج و متشکل نمود ؟

بنظر ما پرولتاریای روستا ، نیمه پرولتاریا و دهقانان خرده مالک
 آن نیروهای ثابت قدمی هستند که حاضرند با اصولی انقلاب و مکرراتیک
 نوین در روستا را بدوش بکشند . اینان متحدین طبیعی پرولتاریای شهری
 محسوب میگرددند . براین اساس است که ما معتقدیم شعارهای
 " زمین بکسانی که روی آن کار میکنند باید بطور رایگان تعلق بگیرد " و
 " لغو هرگونه ساج دولتی " از جمله شعارهای اساسی انقلاب بسرای

د هقانان محسوب میگردند .

بعلاوه ، ضمن جنگ توده ای طولانی بکریه مسائل پیچیده مطرح میشوند که تنها در جریان عمل و با توجه به مسائل مبارزه ضد امپریالیستی و ملزومات جنگ انقلابی میتوان بآن پاسخ گفت . با این حال از هم اکنون يك نکته برای ما روشن است ، و آن اینکه ارگان که اشکال مالکیت ارضی را معین میسازد ، يك ارگان دیکراتیک نوین است . این ارگان همانا شوراها ی مسلح انقلابی کارگران — دهقانان وابسته به ارتش توده ای ، تحت رهبری پیمانهنگ پوولتری چگونگی اشکال مالکیت پرزمن و کار پروری آن را تعیین مینماید و اقتصاد کشاورزی را سازمان داد ، و هدایت میکند . بدیهی است که ما خواهان آن شکل از مالکیت ارضی هستیم که ضمن ارتقاء مرتعیت اقتصادی توده های روستائی ، زمینها ، مادی مرجع بهتری را برای بسط مبارزه طبقاتی توده ها در چارچوب جنگ انقلابی و تکامل انقلاب دیکراتیک نوین با انقلاب سوسیالیستی را فراهم نماید .

در این مورد جنبشهای اخیر دهقانان نیز تجربیات گرانبهایی ارائه میکنند . مثلا در تجربه شوراها ی ترکمن صحرا يك سری تجربیات گرانقدر وجود دارد ، که نشاندهند «پرخوشظرائین عملی است . به عنوان نمونه دهقانان مبارز داوطلبانه عضویت شوراها ی دهقانی را پذیرفتند و زمینهای خود را در اختیار شورا گذاشتند ، و با دربرخی مکانهای دیگر دهقانان پس از ایجاد شوراها ی دهقانی تصمیم گرفتند زمینها را بطور

۲ - مبارزه دهقانان پس از روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی

در جریان اوچکری جنبش انقلابی خلق ما در چند سال اخیر ،
 زمینکشان روستا وارد صحنه مبارزه انقلابی شدند . آنان مستقلاً
 اقدام به تقسیم اراضی و یا باز پس گرفتن زمینهای غصب شده خود نمودند .
 در همه این درگیریها دولت جمهوری اسلامی در مقابل آنان قسراً
 گرفت و آنها خود را با مأمورین ژاندارمری ، کمیته ها ، سپاه پاسداران
 و آخوند ها روبرو دیدند . نمونه زیر یکی از نمونه های است که میتواند تا
 حدی موضوع را بطور زنده نشان دهد : (۱۱)

زمین دشت یکی از روستاهای فیروزکوه است . کشاورزان این
 منطقه که اغلب بی زمین اند ، تصمیم میگیرند ۱۰۰ هکتار از اراضی
 بایری را که امیری فیروزکوهی که از شرفران درباری دوره شاه و دوست
 نزدیک نصیری معدوم ، مالک آن شناخته میشود ، در اختیار خود بگیرند
 و زیر کشت ببرند . امیری فیروزکوه علاوه بر این زمینها ، مالک درخت
 زارهای وسیع در این منطقه است . روستائیان تصمیم خود را باجراه میگذارند
 و متعاقب آن ، امیری فیروزکوهی بدادگاه شکایت میرد . دادگاه پسا
 میدانداری حاج عباس طاهری ، و داماد نصیری معدوم با حمایت
 بدروغ آیت الله کئی و پشوش حکم به باز پس گرفتن زمینها از روستائیان

و سبزیگان آن به " مالک شوی " ، یعنی امیری فیروزکوهی بدهند .
 دهقانان حکم دادگاه را حکم بیدادگاه خواندند و آنرا ضد دهقانان
 نامیدند و حاضر به پذیرش آن نشدند . همکاری آیت الله کئی و پسرش
 با امیری فیروزکوهی سبب بسیج پاسداران برای سرکشی کشاورزان به منطقه
 شد . سپاه پاسداران یکی از کشاورزان را در حین کار دستگیر و به زرین-
 دشت اعزام کرد . بقیه زاروین که در مسجد نشسته بودند ، توسط
 پاسداران محاصره شدند و از آنها خواسته شد که دستچمی بمنزل
 امیری فیروزکوهی بزنند . زاروین مسجد را برای هرگونه مذاکره ای پیشنهاد
 کردند و از خود پاسداران دعوت نمودند که ناهار را در مسجد با
 آنها بخورند . اما پاسداران زاروین را با زور بمنزل امیری کشاندند
 و با تهدید خواستند که زاروین را مجبور کنند که به رای دادگسا
 فیروزکوه که قبلا صادر شده بود گریز نهند . مقاومت دهقانان در برابر
 حکم دادگاه سبب شد که پاسداران ۷ تن از آنان را بهترین اعزام
 دارند و با ایجاد محیط وب روحشت در منطقه ، کوشیدند که
 دهقانان را با اجرای حکم وادار کنند .

این نمونه بسیاری از جنبه های مبارزه دهقانان را در فردای ۲۲
 بهمن در خود نهفته دارد . دهقانان مستلا دست به بازپس گرفتن
 زمینهای غصب شده میزنند ، معمولا مالکین به کمیته ها شکایت میکنند و یا
 از طریق آخوند ها اهالی ده را تحت فشار میگذارند و سرانجام مقاومت
 دهقانان منجر به خالت نیروهای انتظامی میگشت و با دسته های مسلح

بانسان حمله می‌کردند و باعث خسارات فراوان می‌شدند . دولت موقت
 آشکارا از مالکین بزرگ و بطور کلی از وضع موجود حمایت می‌کرد . ماده سوم
 "قانون واگذاری و احیای اراضی ۰۰۰۰" که دولت موقت آنرا تنظیم
 کرده بود ، بفریب جوهر سیاست آنرا نشان می‌دهد : "حقوق اشخاص
 به اراضی بایر ، هم ار آنکه ناشی از احیای اراضی عقود و معاملات و انتقال
 لات قهری و همچنین خالصجات و املاک یا تحت عنوان واگذاری اصلاحات
 ارضی باشد ، بر اساس قوانین موضوعه ، معتبر و لازم‌الرعایه است" (۱۲)
 پس از کناره گیری دولت موقت و بهنگام ارجحی جنبشهای دهقانان و
 دولت جبار و جنجالی بر سر تقسیم زمین براه انداخت و مدتی طرح رضا
 امینسانی نقل محافل و مجالس شد . همان طرح نیز بالاخره سر و دم -
 بریده مبرحله اجرا گذاشته شد . در اصلاحاتی که در این طرح انجام
 پذیرفت ، بار دیگر منافع بزرگ مالکین حفظ شد . این طرح یکبار در
 ۱۱ / ۱۲ / ۵۹ بتصویب رسید . بعد مرده چون چرا تو را گرفت و بسا و
 دیگر با تجدید نظر در تاریخ ۲۲ / ۱ / ۶۰ بتصویب رسید . تازه باز هم
 در اجرایش تاخیر شد و بالاخره متن آن انتشار یافت . آنچه که در زیر
 می‌آید با نشان دادن تغییراتی که در لایحه انجام پذیرفت ، ماهیت
 طرح را افشاء میکند :

"از مهمترین تغییراتی که طی آن عقب نشینی در متن قانون ارضی
 جدید بوجود آمد ، یکی این بود که دولت بهای زمینهای مازاد بر

حد نصاب را که برای واگذاری به هقنان بی زمین و کم زمین از ملاکان بزرگ میگرد ، بآنان برود ازد . تغییر سهم دیگر اینکه مازاد بر حد نصاب اراضی بایر ملاکان بزرگ هر محل را بنا به تبصره (از ماده ۲ قانون در صورتی میتوانند بپرستانیان بی زمین و کم زمین واگذار کنند که بجرایان قانون نخست اراضی بایر صادره شده و یا اراضی بایر و موات قابل آبادانی و واگذاری در آن محل و نزدیک آنرا بپرستانیان واگذار کرده باشند . و چنانچه این قبیل اراضی برای صاحب زمین شدن همه پرستانیان کافسی نباشد ، به واگذاری اراضی بایر مازاد بر حد نصاب ملاکان بزرگ برود .

زند ؟

حد اکثر زمین بر طبق " قانون " نباید از ۳ برابر مقدار اری که در عرف محل برای تامین زندگی کشاورز و خانواده او لازم است تجاوز کند ؟
 صد البته اینها مواد " قانون " اند در فصل همانگونه که در املاک حالت ارضی گذشته هزار راه چاره پیدا شد ، اینجا نیز پیدا میشود . ولی همانطور که مشاهده میشود اساس طرح کنونی به تعدیل مالکیت بزرگ بر زمین آنها با دهها شرط و شروط قرار داده ، در تانسی مسئله از بین بردن روابط موجود و دگرگون ساختن آن نیست ، بلکه گسترش هر چه بیشتر روابط کنونی است . خوب ، دهقانان زمین بایر را آباد بکنند . چگونه ؟ با چه امکاناتی ؟ در اینجا سر و کله بانکها ، وامهای دولتی و از این قبیل عوامل پیدا میشود ، و این مسئله ارضی در ایران را حل نمیکند . بهیچوجه نباید اینطور فکر کرد که فعلا رژیم

از نظر منابع اقتصادی نمیتواند دست‌های اصلاحات ارضی بزند ، مهم این است که ماهیت اصلاحاتی که میتواند انجام دهد ، چیست . اگر سیستم کنونی برقرار باشد ، یعنی سلطه امپریالیستی همچنان با سر جا بماند ، هرگونه اصلاحات ارضی باز هم نخواهد توانست مسئله ارضی را حل کند و بیشتر بسروا به وابسته خدمت خواهد نمود . در هر صورت ، بعد از تریب یکسال فعالیت هیئت‌های ۷ نفره (تا سال ۶۰) ۸۵۰۰۰ هکتار زمین به دهقانان کم زمین و روستائیان بی زمین واگذار گردید ، که از این مقدار ۵۰۰۰۰ هکتار آن از اراضی مسوالت بوده است .

مبارزه دهقانان بعد از ۲۲ بهمن دارای گسترش قابل ملاحظه ای بوده است . جنبش خلقی ترکمن در درجه اول نمونه باوژی از اوچکسری جنبش دهقانی است . پس از آن جنبش خلقی کرده ، بخصوص در مراحل مقدماتی اش ، خود یکی دیگر از نمونه های جنبش دهقانی است . اما جنبش دهقانی معدوده باین دو نمونه نمیشود . مطالعات نشان میدهد که در تمام استانهای گیلان ، مازندران ، آذربایجان ، لرستان ، استان مرکزی ، سیستان و بلوچستان ، فارس ، کوها ، ایلام ، کرمان ، شاهان ، خراسان و ۰۰۰۰۰ جنبشهای دهقانی وجود داشته . در این مبارزات دهقانان از شیوه های مختلف مبارزه استفاده کردند . در مقابل سپاه پاسداران و کمیته ها مقاومت نموده و حتی در مقابل سلاحيها

آتشین آنها با سنگ و چوب بمقابله برخاستند و در برخی موارد موفق به
بیرون راندن آنها شدند . (نمونه های درگیلان)

در بسیاری موارد دهقانان تشکیل شورا دادند ، شورا های دهقانی
اکنون برای اکثریت قریب با اتفاق دهقانان شناخته شده است . خواسته های
اصلی دهقانان را میتوان بقرار زیر فهرست بندی کرد : اصلاحات
ارضی واقعی ، لغو بدعهدیهای قبلی ، لغو بهره مالکانه و حق آب ، داد
سند مالکیت پرستانه ، دریافت وامهای طول المدت بدون بهره
دریافت سهم دفع آفات کشاورزی ، بذره های اصلاح شده و کود های شیمیایی
حفر کانالها و چاههای عمیق و لایروبی قنوات و رودخانه ها ، حمایت
از کشاورزان تولید کننده از طریق جلوگیری از ورود محصولات کشاورزی مشابه
تثبیت قیمت محصولات کشاورزی ، تشکیل شورا های واقعی ، احداث راه -
های حمل و نقل ، تامین برق و بهداشت ، دستگیری و جازات خوانین
و مالکین و

از آنچه گفته شده ، چه نتایج میتوان گرفت ؟ میتوان گفت

که مضمون اصلی مبارزه دهقانان انقلابی ، مبارزه بر علیه سلطه اشرار
بیالیتی و سرمایه وابسته است .

همانگونه که مشاهده میشود ، پروتاریا و نپد پروتاریای روستا و
بخش عظیمی از دهقانان ، تحت استثمار سرمایه وابسته و دیگر روابط
استثمار قرار دارند و میتوانند از نیروهای ثابت قدم انقلاب محسوب
شوند . در مبارزه علیه سلطه امپریالیستی و رهایی از پرغ سرمایه امپری-

بالیستی به آنان نیز از نیروهای محرکه انقلاب محسوب میشوند . بنا
براین ، حل مسئله ارضی در روستا و سازماندهی تولید ، چنان باشد
همیشه بود که باعث ارتقاء موقعیت اقتصادی و سیاسی روستاها و
دهقانان تبه‌دست و خرد را گرداند .

بنظر ما دهقانان در انقلاب ایران نقش مهمی دارند .
بدون شوکت آنان در انقلاب و بدون قبول فریضی روستاها از جانب
آنان ، انقلاب دیکتاتور نبوده در ایران به پیروزی نخواهد رسید .
دوست بهمین دلیل است که در انقلاب ما مسئله ارضی ، جنبش
دهقانی و رابطه روستاها و دهقانان ، از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است .

فصل چهارم

خرده بورنوازی شهری

خرده بورنوازی در شهر ، از اقشار بسیار متنوعی تشکیل شده است که در حوزه های تولید ، توزیع و آنچه که بنام خدمات معروف است حضور دارد . گروهبندی اقشار متنوع خرده بورنوازی شهری همان است که در مورد دهقانان ذکر شد :

خرده بورنوازی تهیدست : این دسته از خرده بورنوازی معاش خود را بسختی تامین میکند و درآمدها کفاف زندگی عادی شان را نمیدهد . دستفروشان ، دکه داران ، کارمندان دین پایه دولتی ، برخی از مغازه داران ، کارگران بازار و . . . جز این دسته محسوب میگردند . خرده بورنوازی تهیدست شهر از نظر وضع زندگی ، نزدیکی زیادی با بدولتها دارد .

خرده بورنوازی میانه حال : اینان کسانی هستند که میتوانند بهر نحو که شده ، معیشت خود را تامین کنند . گروه وسیعی از کارمندان دولت ، برخی از مغازه داران و . . . جز این گروه

محسوب میشوند .

خریده پورنوازی مرغه ؛ اینان مرکب از کسانی هستند که نه تنها معیشت خود را تامین میکنند ، بلکه دارای درآمد اضافی نیز هستند . معمولا با سرمایه کوچک خود در برخی از حوزه های تولید و با توزیع و یا خدمات عمل میکنند . دارندگان کارگاههای کوچک ، برخی از کارمندان دولت ، برخی از مغازه داران ، و . . . جز این گروه محسوب میشوند .

واقعیات عینی نشان میدهند که بخش وسیعی از خرده پورنوازی شهری (تهیدست و میانه) ، در انقلاب بورژوا دیکراتیک نوین شرکت میکنند و جزو دوستان انقلاب محسوب میگردند . بنابراین ، طبقه کارگر باید با بسیج و سازماندهی زحمتکشان روستا و خرده پورنوازی شهری انقلابی ، بر علیه امپریالیستها ، پورنوازی وابسته ، مالکین و خانهای بسزرگ و خلاصه همه نوکران ایرانی امپریالیستها مبارزه نموده و با قطع سلطه امپریالیسم ، جمهوری دیکراتیک خلق را مستقر سازد .

بخش دوم

فصل اول

اوضاع کنونی جنبش کمونیستی ایران

در شرایط کنونی، جنبش کمونیستی ایران در وضع اسف باری قرار دارد. جنبش کمونیستی ایران همچنان در زیر سلطه اپورتونیزم بدست و پا زدن مشغول است و آنقدر ناتوان گشته که کم کم دارد به عنوان یک نیروی مخالف جدی از ذهن توده ها بیرون میرود.

مشئ نادرست گاه خائشانه برخی از سازمانها که قبلا تحت عنوان نیروهای کمونیستی شناخته میشدند، ضربات جانگاہی بر پرچم جنبش فرود آورده است. سازمان "اکثریت" خاکن جنبش خلق کرد را تخطئه کرده، جنبش خلق ترکمن را بنکست کشانید و اعضاء و هواداران خود را در کارخانه ها، روستا ها، مدارس و خلاصه در تمام حوزه های فعالیت اجتماعی به صورت جاسوسان کنفی در آورده که وظیفه اصلی شان تعقیب و پیگرد عناصر انقلابی و دفاع از منافع امپریالیسم است. دیگر گروهها با انتخاب کار صرف روشنگری (سیاسی) در درون کارخانه ها

و در سطح جامعه بعنوان تمامی فعالتهای خود نشان دادند که در
 لحظات تطبیقی و بحرانی ، در ایفای کمترین نقش ناتوانند .

در حقیقت ارزیابی يك سازمان و يك جنبش، ارزیابی عملکرد سازمان
 مفروض جنبش در شرایط مشخصی است . وقتی توده‌ها در تجربه خود
 درمی‌یابند که این سازمانها درست در گره گاههای معینی قسا در
 به ایفای نقش انقلابی و موثری نیستند ، مسلماً اعتماد و اطمینانی نسبت
 بآنها پیدا نخواهند کرد . عدم درك درست از سیر و تالیف اجتماعی
 و در نتیجه عدم آمادگی برای ایفای نقش انقلابی ، شیوه کار نادرست ،
 و سازماندهی نامتناسب با شرایط اجتماعی و رهنمود های غلط ، که
 همگی تا حدودی بر پستردم وجود رادیکالیسم انقلابی عمل کرده داشته
 باشند که این گروهها نتوانند مبارزات توده ها را حتی يك گام
 ارزنده بجلو سوق دهند و خود متحمل ضربات سختی شده و از انجام
 هرگونه وظیفه انقلابی ، حتی در سطح محدود آن ، بازماندند (۱۲) .
 در شرایطی که توده ها آماده مبارزه بودند آنان از ایفای نقش پیشا
 هنگی عاجز گردیدند و سر همین پستربود که جریانات غیر پرولتری
 در ذهن توده ها تاثیر گذاری کرده و خود را در ابعاد نسبتاً وسیعی
 بآنان تحمیل نمودند و با هوق و کسوف خود را بعنوان " تنها آلترناتیو"
 جنبش مطرح ساختند . در حالیکه این سازمانها در انقلاب حاضر
 هرگونه رسالتی در اسر رهبری و تعمیق انقلاب نداشته ، و ضرورتاً بیا
 باید تحت رهبری پرولتاریا قرار بگیرند یا بدنباله روی از -

سیاستهای امپریالیستی کشیده شوند .

بدون شك ، خطر وضعیت کنونی برای جنبش چپ ، اگرچه از هم اکنون بوضوح آشکار است ، در آینده باز هم صد چندان بیشتر خواهد بود . در نتیجه سلطه اپورتونیزم بر جنبش کمونیستی است که اعتراضات توده ای و مبارزه آنان بر علیه حاکمیت امپریالیستی در عمده موارد - و در تمام موارد اساسی - بدون نتیجه مانده و تنها در این میان مبارزه خلق کرد است که هنوز هم با تحمل این همه کشتار و ویرانی و پسا - دست یازدن به عالیترین شکل مبارزه ، یعنی مبارزه مسلحانه ، در صحنه مبارزه سیاسی حضور فعال خود را حفظ کرده است ، اگرچه برای کمونیستها از پیش معلوم است که اگر رهبری این جنبش بیست طبقه کارگر و نمایندگان آن نباشد ، سرانجامی جز شکست نخواهد داشت .

فصل دوم

استراتژی و تاکتیک انقلاب ایران

ما در جامعه‌ای زندگی و مبارزه میکنیم که تضاد اصلی آنرا تضاد بین خلق و امپریالیسم تشکیل میدهد .
در یکسو امپریالیسم با تکیه بر نیروی تهر ضد انقلابی - که منتج از قدرت اقتصادی جهانی او میباشد - قرار دارد که توانسته است صدها هزار نفر را در ارتش ، سپاه ، بسیج ، ساواجا ، شهبانی ، ژاندارم - سری و ... متشکل نموده تا بولچه توده ها بکارگیرد ، و در دیگر سو توده های استثمار شده ای را میبایم که آمادگی بدوش کشیدن بار سنگین انقلاب و مبارزه بر علیه سلطه امپریالیستی را دارا هستند . توده - هائی که تحت شرایط سرکوب قهرآمیز امپریالیستی ، امکان هرگونه تشکل صرفا سیاسی را از دست داده اند ، در حالیکه هم ضرورت و هم امکان مبارزه برای برانداختن سلطه امپریالیستی و استقرار جامعه دمکراتیک نوین قریبا وجود دارد ، مبارزه ای که ضرورتهای تکامل تاریخی ،

پهروزی محتوم آنها تضمین کرده اند . با توجه باین واقعیت ، بایستی شیوه عمل و اشکال سازمان را بگونه ای مشخص نمود که بتوان بر اهداف این مرحله از انقلاب دست یافت .

این درست است که مسئله حیاتی هر مبارزه انقلابی کمونیستی ، آگاه و متشکل نمودن توده هاست ، و هرگاه که آگاهی انقلابی توده ها را فرا گیرد ، بر زمینه شرایط مادی توده ها ، بیک نیروی مادی عظیم تبدیل خواهد شد . تنها نیرویی که قادر است جامعه را دگرگون کند ، اما همیشه مسئله این بوده که ، این آگاهی چگونه باید بهمان توده ها برده شود ، چه سازمانها و وسائلی باید این آگاهی را بهمان توده ها بپرسند ، و از طریق کدام اشکال سازمانی و اتخاذ چه شیوه هایی از مبارزه میتوان انرژی انقلابی توده ها را در مسیری که به پهروزی انقلاب ، بسر نکونی ارتجاع ، بتصرف قدرت سیاسی منجر میشود ، انداخت و هدایت کرد؟ (م.م.ه.ا.ه.ت.)

بدون آگاهی از قوانین حاکم بر روند این مبارزه ، وبدون آگاهی از اهدافی که این مبارزه دنبال میکند ، ما نخواهیم توانست با اشکال متناسبی از سازمان و عمل انقلابی دست یابیم ، که بعنوان وسیله ای کار ساز در واگزینی نظام موجود و آفرینش رشد یافته نظام مطلوب ، بکار گرفته شود . باعتقاد ما تنها شکلی از عمل که میتواند با اهداف این مرحله از انقلاب دست یابد ، مبارزه مسلحانه و تنها شکل سازمان مازمسلمان سیاسی - نظامی است .

جنگ انقلابی نه تنها از نقطه نظر استراتژی نظامی و برای در فهم شکستن ارتش امپریالیستی و بلکه از نظر استراتژی سیاسی و یعنی آگاه و متشکل کردن توده ها برای تسخیر قدرت سیاسی و اتمام انقلاب نیز و اهمیت پیدا میکند و جنگ انقلابی را هیچگاه نمیتوان بدون در نظر گرفتن رابطه بین ارگانیک امر سیاسی و امر نظامی و با عبارت دیگر استراتژی توکانه آن و تصور نموده و از یک طرف شرط پیروزی مبارزه مسلحانه بسیج توده ها است و از طرف دیگر بسیج توده ها جز از راه مبارزه مسلحانه امکان پذیر نیست (م.م. ص. ۱۰۰ ص. ۱۰۱ ص. ۱۰۲)

از یکسو مبارزه مسلحانه اهداف سیاسی معینی را دنبال میکند و که دست یافتن بآن جز از راه جلب حمایت توده ها که خود مسئله حیاتی انقلاب را تشکیل میدهد - امکان پذیر نیست و و بدین منظور انجام دادن کار ماهیتا سیاسی الزامی است و ولی از طرف دیگر و جز از راه مبارزه مسلحانه نمیتوان ب جلب حمایت مادی و معنوی توده ها نایل شد و جز از راه برپائی و گسترش جنگ انقلابی که در روند رشد و گسترش خود در ابعاد وسیعتر و با ارتش انقلابی خلق انجام خواهد گرفت و نمیتوان به اهداف سیاسی که با آن براندازی سلطه امپریالیستی و استقرار جامعه دموکراتیک نیست است و دست یافت است و

با توجه به موارد فوق آمد که مبارزه مسلحانه طولانی بظاهر را و پیروزند انقلاب و استراتژی این مرحله از انقلاب مطرح میشود و در جریان

جنگ دراز مدت است ، که انری انقلابی توده ها بعد بیج وارد میدان
نبرد میشود . طبقه کارگر ، در روضد رشد همین جنگ انقلابی است که
خود آگاهی کسب کرده و سازمان مییابد و قادر میشود که نقش تاریخی و
دور انساز خود را با تامین همزیستی خویش ایفاء کرده و پیروزی انقلاب را
تضمین نماید و آنرا بیست انقلاب سوسیالیستی سوق دهد .

دهقانان و خرده بورژوازی شهری نیز که از ستم و استعمار
امپریالیستی شدت رنج میبرد و طعم تلخ استبداد و سرکوب را تا مغز
استخوان چشیده اند ، بنا بر شرایط مادی زیست خود حاضرند .
در بدوش کشیدن پار سنگین انقلاب ضد امپریالیستی ، بعنوان متحدین
پولتاریا عمل نموده و در ارتش توده ای که اساسا در روستا ها گرفته و به
گسترش صفوف خود میرسد ازده ، تحت رهبری طبقه کارگر و پشاهانگان پرو-
لتاریائی متشکل میشوند .

بدون حضور فعال طبقه کارگر ، بدون رهبری این مبارزه از سوی پشاهان
هنگ مارکسیست سلطنتیست و بدون سازماندهی زحمتکشان روستا از سوی
پشاهانگ پولتاری ، نمیتوان سخنی از پیروزی انقلاب بهمان آورد . انقلاب
یکه " . . . در خود انقلاب شکل میگیرد ، و حقیقت این است که
حتی انقلاب در طبی انقلاب ، در جریان عمل مسلحانه ، دچار انقلاب
میشود . انقلابی که با توده ای ترین و عامترین اهداف آغاز شده ، در
جریان این مبارزه آشتی ناپذیر با طول به انقلاب بهترین تاکتیکها ، به
انقلاب بهترین اهداف نیز میرسد . توده ها در جریان این مبارزه به سخت

و طولانی تحت رهبری پوشا جنگ بدولتاریائی پیش از پیش بدولت‌نیزه میشوند .
 پیش از پیش هر رهبری خود ایمان می‌آورند ، مبارزه با امپریالیسم بمبارزه با
 سرمایه داری مبدل میشود ، مبارزه با سلب مالکیت امپریالیستی ، به سلب
 مالکیت سوسیالیستی مبدل . میشود . . . (م . م . م . م . م . م . م . م . م . م)
 جنگ انقلابی از لحاظ استراتژیک ، مراحل کیفی متفاوتی را طی میکند
 که بر حسب این مراحل استراتژیک ، هر سیستم تاکتیک‌های آن نیز تغییرات
 کیفی حادث خواهد گردید .

در جنگ حفظ و گسترش نیروی خودی و نابودی نیروی دشمن ، اصل
 اساسی است که در جنگ انقلابی بر علیه سلطه امپریالیستی نیز این اصل
 کماکان صادق خواهد بود . در اینجا نیروی انقلابی با اتکال به نیروی
 سلاح که با آگاهی به هدفندی جنگ همراه است ، خود را حفظ میکند
 و صفوف خود را گسترش میدهد و بنقد سلطانه سلطه امپریالیسم و
 دست نشانندگان آن می‌پردازد و در روند تحقق استراتژیک جنگ طولانی
 است که مبارزه سلطانه به تدریج تاکتیک اساسی ، جایگاه ویژه ای را بخود
 اختصاص میدهد که همه و هرگونه تاکتیک‌های دیگر ، در همرفتنی و در
 پیروان است که میتواند ضروری و سودمند افتد . بدون کارسند مبارزه
 سلطانه به عنوان تاکتیک اساسی ، تحقق این استراتژی امری محال
 خواهد بود و نتیجتاً هرکاری در محدوده تنگ خورده کاری باقی
 خواهد ماند .

فصل سوم

وظایف اساسی تاکتیکی

اکنون با روشن بودن استراتژی این مرحله از انقلاب ایران ، باید دید که چه وظایف تاکتیکی مهمی در برابر جنبش کمونیستی ایران قرار میگیرد و چه گامهای عملی میتوان در جهت تحقق آن بردارد .

مدت پنج سال است که خلق قهرمان کرد بولیه رژیم وابسته پامیریا - لیسم جمهوری اسلامی مبارزه مسلحانه میکند تا طی این مدت شاهد یورشهای ددمنشانه مزدوران امپریالیسم بگردستان و مقاومت توده های زحمتکش و روشنفکران انقلابی ، در برابر این تهاجم گسترده بوده ایم . بدون اغراق^{جنبش} خلقتی کرد هیچگاه تا این اندازه عمق و وسعت نداشته است . در شرایط حاضر که سایه شوم سرتیزه در همه جای ایران برسر توده های مردم سنگینی میکند ، مبارزه مسلحانه خلق کرد بنقطه امید و اتکای مبارزه ضد امپریالیستی خلقهای ما مبدل شده است . و رژیم مزدور جمهوری اسلامی هنوز نتوانسته است ملطه خود را بر سراسر کردستان پهنادهد

و هر جا هم که بظاهر نیروهای سرکوبگر خود را مستقر نموده، باز هم نتوانسته از ضربات فرساینده، پیشمرگان قهرمان کردستان در امان بماند و مهمتر آنکه موفق بایجاد روحیه پاس و سرخوردگی در توده ها نگردیده است. کردستان در شرایط کنونی، به دلیل جایگاهی که در مبارزه ضد امپریالیستی خلقهای میهنمان اشغال کرده است، بایستی بیش از پیش مورد توجه نیروهای جنبش کمونیستی قرار بگیرد، اهمیت و نقش آن هر سر نوشت مبارزاتی مراسم ایران باید بدستی ارزیابی گردد. نقاط ضعف و قوت آن باید صیقا مورد توجه قرار بگیرند. بدون درک تضادهای درونی و نقاط ضعف و قوت جنبش خلق کرد، نمیتوان بوظایف پیشانگی خود در این نقطه از میهنمان بدستی عمل کرد.

ضعف عمده، جنبش مسلحانه، خلق کرد در شرایط حاضر، نبود رهبری پرولتاری آن است. بدون شك آنچه که ما میخواهیم این است که خلق کرد از زیر نفوذ رهبری غیر پرولتاری بیرون بیاید و تحت رهبری پرولتاری که این رهبری برای حفظ و تداوم يك جنگ انقلابی علیه سلطه امپریالیستی لازم بوده و از شروط اساسی رهائی خلقهای ایران، از جمله خلق کرد است، قرار گیرد. اما این امر بسادگی امکانپذیر نیست. باید شرایط مساعی لازم برای این تحولات آماده شود. امروزه شرط آنکه جنبش کمونیستی بتواند تسلط ایدئولوژیک و سیاسی بر جنبش خلق کرد بدست آورد، این است که دارای قدرت سیاسی و نظامی موثری بوده و بعنوان يك نیروی جدی و فعال سیاسی در کل جامعه شناخته شده باشد. جنبش کمونیستی

تتها با گسترش جنگ انقلابی و متناظر با آن ، با وارد کردن سیاست
 پرولتاری جنگی و هالیبخش ملی در پراتیک مبارزاتی خلق کرد است کسسه
 میتواند رهبری این مبارزه را در دست بگیرد و آن را همگام با مبارزه ضد
 امپریالیستی خلقهای دیگر ایران ، بجلوسوق دهد . با گسترش جنگ
 انقلابی ، ضمن آنکه اتحاد و همبستگی جنبش خلقی کسره بشا به بخشی از
 جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای سراسر ایران ، با مبارزات
 دیگر خلقهای میهنمان تامین میگردد ، بلکه همچنین این امر همه گونه
 امکانات ، چه مادی و چه معنوی ، چه سیاسی و چه نظامی ، بسرای
 تعمیق و گسترش انقلاب و پیروزی محترم آنرا فراهم میسازد .

بنظر ما گشودن يك و یا چند جبهه جدید جنگ چریکی روستایی
 بولیه رژیم وابسته با امپریالیسم جمهوری اسلامی هر جا که امکان دارد ،
 چه از نظر سیاسی و چه از نظر نظامی ، چه از نظر استراتژی و چه
 از نظر تاکتیکسی ، دارای اهمیت فوق العاده زیادی است . از نظر
 استراتژی ، وجود و دوام يك جبهه جنگ چریکی روستایی بمعنی برهائیسی
 و گسترش جنگ انقلابی (انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک) است ، و از
 نظر نظامی گشودن يك جبهه جدید ، باعث پراکنده شدن هر چه پهنتر
 قوای دشمن میگردد ، زیرا در شرایطی که دشمن عملاً درگیر جنگ با خلق
 کسره است ، و در شرایطی که صدها هزارتن از نیروهای خود را در جنگ
 با رژیم وابسته با امپریالیسم حاکم بر عراق مشغول نموده است ، در شرایطی
 که دشمن بواسطه وجود اعتراضات توده های شهری و عملیات نظامی

برخی از گروهها و سازمانهای سیاسی در شهر، و با توجه به خطر
بالقوه همپسگی آنها مجبور به مرکز نیروی وسیعی در شهرها میباشد، و گشودن
جبهه چریکی روستائی، عملاً باعث پراکنده شدن هرچه بیشتر نیروی دشمن
و بالا رفتن ضریب آسیب پذیری آن خواهد بود. زیرا طبق موازن جنگی
دشمن برای مبارزه با نیروهای مسلح انقلابی، مجبور است که نیروی
خود را در مناطق مورد نظر تقسیم نماید.

از نظر سیاسی تنها با تبلیخ و ترویج پراتیک انقلابی موثری است که
میتوان توده ها را وارد دوران پروسه کرد که رشد و گسترش آن منجر به
قطع سلطه امپریالیسم و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق شود. در عرصه
سیاست انقلابی، هر دعوت انقلابی با اقدام مشخص انقلابی بسایند همراه
باشد. پس در چه پروسه ای میتوان کارگران، دهقانان و خرد و بیروز
وازی شهری را سازمان داد؟ دهقانان از همان آغاز جنبش خلقمان در چند
سال گذشته، از کمک موثر پیشروان انقلابی محروم بودند. علیهم وسعیت
جنبش دهقانی، هیچ سازمانی در فکر رهبری قاطع این جنبش بر نیامده
آغاز جنگ در یک منطقه مناسب، زمینه های لازم را برای بسیج و سازماندهی
موثر نیروی عظیم زحمتکش روستا فراهم خواهد ساخت.

علاوه بر آنچه که آمد، آغاز جنگ انقلابی در یک منطقه مناسب
روستائی، نه تنها در برپاداری کارگران و بخشهای انقلابی دهقانان
و خرد و بیروازی شهری، و سازمان های آنها موثر است، بلکه در
وضعیت سیاسی کل جامعه نیز اثرگذاری موثری خواهد داشت و در

تشدید جسورانه‌ی لقی بسیار مهمی ایفاء خواهد نمود .
 ایجاد ^{کنج}جبهه جدید ، از نظر نظامی دشمن را پراکنده میسازد و از
 نظر سیاسی در وضعیت عمومی جامعه تاثیر میگذرد و در تجربه به یکا یک
 خلقها نشان خواهد داد که تا چه اندازه سرکوت او با دیگر خلقهای
 ایران پیوند خورده است . بشرط وجود رهگیری یک پشاهنگ واقعا
 انقلابی در روند مبارزه ضد امپریالیستی خلقهای ما ، عناصر لازم برای
 تأمین همبندی بولتری در جنبش انقلابی پهنهور رسیده و بسوسست رشد
 خواهد نمود .

گشایش جبهه های جنگ انقلابی بر علیه رژیم وابسته با امپریالیسم جمهوری
 اسلامی از این زاویه نیز اهمیت فوق العاده ای دارد که میتوان توضیح
 داد ؛ از آنجا که در چارچوب تحت سلطنتی امکان تحقق هیچگونه
 برنامه انقلابی وجود ندارد ، و اجرای هرگونه برنامه انقلابی مستلزم
 یک آوردن قدرت سیاسی است و نیز روند جنگ انقلابی ، روندی دراز مدت
 است که نیروی انقلاب نه یکباره ، بلکه بتدریج به در هم شکستن ماشین
 دولتی وابسته با امپریالیسم ناقل میشود ، و انقلاب نیز نه یکباره ، بلکه به
 تدریج بر مواضع قدرت سیاسی دست مییابد ، اهمیت گشایش جبهه های
 جنگ که در رشد خود قادر به آزاد کردن مناطق و تبدیل آنها بنطاق
 سرخ (۱۴) میشود ، - یعنی صلا قدرت سیاسی در آن منطقه بدست
 نیروی انقلاب میافتد - بخوبی آشکار میگردد .

با توجه بتوضیحات فوق است که ما وظیفه اساسی نیروهای جنبش

کمونیستی را در پویائی و گسترش جنگ انقلابی ، یعنی : حضور فعال در مبارزه ، مسلحانه خلق کرد و گشایش جبهه های دیگر جنگ میدانیم ، که این نیروها باید با توجه با امکانات نظامی دشمن ، امکانات تکنیکی و تاکتیکی نیروی خودی ، شرایط اجتماعی و اقتصادی مردم و شرایط جغرافیائی ، در آن جهت گام بردارند .

و اما گشایش جبهه جنگ روستائی یگانه وظیفه برای نیروهای انقلابی نیست . تنها يك ذهن ساده میتواند که از تاکید و تأکید و اهمیت مثلا يك تاکتیک معین ، انکار و عدم اهمیت تاکتیکهای دیگر را نتیجه بگیرد . اما منظور از تاکید بر نقش روستا و جنگ چریکی روستائی همان اهمیت استراتژیک و تاکتیکی آن ، این است که در مجموع فعالیتهای انقلابی ، این جز از فعالیت ما دارای نقش تعیین کننده و مؤثر در تحقق اهداف انقلابی میباشد . بنابراین از آنچه که درباره ضرورت جنگ چریکی در جبهه روستائی بیان شد ، ضرورت جنگ چریکی در شهر نمی نشود . بدون شك هر جا که توده های وسیع مردم حضور دارند همانجا عرصه جنگ انقلابی نیز هست . مسئله برسر چگونگی گسترش جنگ و اهمیت و نقش هر یک از این جبهه هاست . تحلیل از اوضاع مشخص و تجربه انقلابی سراسر جهان و از جمله تجربه مبارزه مسلحانه در خود ایران نشان میدهد که جنگ چریکی در شهر تا حد معینی میتواند رشد و گسترش یابد و هیچگاه جنگ شهری مستقلا نمیتواند ارتش مستبدین امپریالیستی را شکست دهد و قدرت سیاسی را کسب نماید . در شرایط

میهن ما جنگ چریکی شهری هم از نظر سیاسی و هم از نقطه نظر نظامی دارای اهمیت بسیار است ، و نقش مهمی را در پیشبرد جنگ تعیین کند . ای که اساسا در مناطق روستایی جریان دارد ، ایفا میکند جزو شهرهای بزرگ بعنوان مکانی اجتماعی با ترکیب طبقاتی مشخص آنها . مراکز ارگانهای اقتصادی ، سیاسی و نظامی امپریالیستها و نوکران ایرانی شان نیز میباشد . چریک شهر با ضربه زدن و مختل کردن کار کرده های منظم این ارگانها به چریک روستا کمک میکند تا در موقعیتی بهتر بتواند جنگ انقلابی خود را به پیشبرد . سازمان سیاسی - نظامی در شهرها با پیچ آن بخش از طبقات خلقی که در این مکانها حضور دارند ، و با همسو نمودن تمامی اشکال مبارزه آنان با اهداف استراتژیک جنگ انقلابی ، نیروی دشمن را تضعیف نموده و هر چه بیشتر باستقامت تقویت و گسترش جنگ انقلابی میگردد .

بدین معنی شهر نقش بیست وجهه ، سیاسی و نظامی روستا را نیز ایفا میکند . جنگ چریکی شهری و جنگ چریکی در روستا ، در پیوند ارتباط دیاکتیکی با یکدیگر میتوانند با اهداف و نتایج مطلوب کل جنگ انقلابی دست یابند . پیشرفت هر یک دیگری را تقویت میکند . از این گذشته ، تحریکات جنگ چریکی در سراسر جهان نشان میدهد که پیشرفت جنگ چریکی در روستا بحدی فعالیت فعال شهر نیازمند است ، بدون حمایت سیاسی - نظامی شهر و کار سیاسی - نظامی چریک شهر ، چنانکه چریکی در روستا نمیتواند به بهر روزی دست یابد ، و سرانجام

شکست خواهد خورد و ضمن آنکه باید یاد آوری نموده که جنگ چرکی در روستا اگر از فعالیت و حمایت شهر در آید، قابل پیش بینی مطمئن باشد و میتواند آغاز گردد.

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادیست
 ناپود باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی
 برقرار باد جمهوری دگراتیستیک خلق
 بر مبنای طبقه کارگر

با ایمان به پیروزی رادمهان

چریکهای فدائی خلق ایران (ارتش رمانیستش خلقهای ایران)

تیسرماه ۱۳۶۲

توضیحات

البته این نکته را باید یاد داشت که نفوذ رژیم جمهوری اسـلامی هیچگاه در حدی نبود که تحت تاثیر تبلیغات رژیم و اپورتونیستهای بتصور در میآید در همان ابتدای روی کار آمدن رژیم نیز گروههای مبلوژی بر علیه آن بودند . جنبش خلق کرد ، جنبش خلق صوب و جنبش خلق ترکمن از نمونه های برجسته ای هستند که ادعای بالا را ثابت میکنند . غیر از این ، جنبش پر دانش کارگران در شهرها و دهقانان در روستاها نشان میدهد که جنبش خلق از چه دامنه وسیعی برخوردار است . معذالک رژیم با استفاده از شبکه سازمان روحانیون و نهادهایی چون مسجد ، نماز جمعه و استفاده از قدرت دولتی و حمله های شناخته شده تبلیغات امپریالیستی ، همچنین ، نمایش سازمان پانگه موافقان خود ، در شرایطی که نیروهای انقلابی از چنین امکاناتی برخوردار نبودند ، این توهم را بوجود میآورد که انگار از حمایت اکثریت وسیع جامعه برخوردار است و فقط یک درصد مخالف دارد . در این میان برخی از سازمانهای اپورتونیست نیز باین توهمات دامن میزنند .

- ۲- تحلیل ذهنیت کارگران و پراتیک آنها در مبارزات اخیر، حاوی نکات بسیار مهمی است. کارگران خواهان دولتی هستند که زمینه هر چه عالیتری را برای بسط مبارزه طبقاتی آنان فراهم نماید.
- ۳- پس از روی کار آمدن رژیم کمونیستی، کارگران کارخانه های مختلف تحت تاثیر جو عمومی سیاسی و تشویق برخی از گروهها و سازمانها، دست بابتشار جزواتی زدند که در آن گوشه ها، از زندگی و مسائل کارگری مطرح میشد و تعداد این نشریات نسبتا زیاد بود. از مطالعه این مجموعه میتوان تصویر نسبتا کاملی از شرایط عمومی زندگی و مبارزه و خواسته های کارگران بدست آورد. در این نشریات فاکت های گوناگونی از جنبه های مختلف مبارزه کارگران درج شده است. مثلا در یکی از کارخانه ها هنگام اعتصاب، یکی از نمایندگان کارگران بوسیله جماعت داران مشغول شد. بدستور کمیته هیچک از بیمارستانهای شهر حاضر نشدند او را معالجه نمایند. و یا در جریان اعتصاب "ناستروید" یک کارگر سخنران بوسیله جماعت مجروح شد و هنگامیکه کارگران قصد تهیه جماعت دار را میکنند، پاسداران بدفاع از جماعت دار برمیخیزند. نشریه "انفکتران جنوب" شماره ۳ با فاکت های مشخص نشان میدهد که چگونه عناصر مزدور و ضد کارگری در پیروزی بهنامب عالیتری دست یافته اند.
- ۴- تنها صنعتی که در ایران نحوه کارکردهای آن قدرت اثرگذاری پرکارکردهای همه بخشهای مختلف صنایع را دارد، صنعت نفت است. دانشه این تاثیرگذاری در تمام سطح زندگی اجتماعی

کننده میشود. پس جهت اینست که از جانب دولت کمترین کوشش میشود تا کارگران و کارمندان صنعت نفت از مزایا و امتیازاتی برخوردار باشند که دیگر کارگران از آن محروم اند. اختصاص حقوقهای کلان به عده ای از کارگران، هر خوداری از ممکن و وجود سیستم گروند* (درجه بندی سلسله میراث) و شرط و شروط ارتقا*، از جمله تدابیری است که گردانندگان امور برای کنترل جنبش این بخش از طبقه کارگر اتخاذ کرده اند.

۵- در بسیاری از کشورهای صنعتی، خصوصاً کشورهای اروپایی که تاریخ مبارزه طبقه کارگر آن برای روشنفکران مارکسیست - لنینیست ایرانی بیشتر شناخته شده است، همواره مشاهده میکنیم که بخشی از طبقه کارگر پیشاهنگ بخشهای دیگر میگردد. اعتصاب در یک رشته صنعتی باعث تعطیل بسیاری از کارخانه ها میشود که تعطیل شدن کارخانه های دیگر، الزاماً به قصد و نیت کارگران آن بستگی ندارد، بلکه به بهم پیوستگی عملکرد کارخانه های بهره مطالعه مربوط میگردد. این امر بر ذهن کارگران اثر میگذارد، آنها با تجربه عملی همبستگی منافع خود را در مرصه و یکسار طبقاتی بهتر می بینند، به قدرت جمعی خود واقف میگرددند و به نقش خود در حیات اجتماعی بیشتر آگاه میشوند. این آگاهی نه محدودی کارگران پیشرو را، بلکه جمیع کثیری از کارگران را در بر میگیرد. در نتیجه، شرایط نامنتنی

را غنا و تکامل میبخشد. از نظر عملی تمرکز کار انقلا پس در مورد
 تین و با اهمیت تین رشته های صنعت، و روشنگری در میان بخش
 از طبقه کارگر و کشادن آنان به پراتیک مستمل خود، باعث فراهم
 خوردن بر بخش بزرگی از نظام اقتصادی و با اجتماعی سرمایه داری
 میگردد و این زمینه را برای رشد هر چه بیشتر نفوذ کمونیستها
 در محیط های دیگر کارگری که تاکنون با آنها ارتباط جدی برقرار
 نبوده، فراهم میسازد.

۶- مثلاً در صنعت بزرگی مانند صنایع فولاد اهواز، که
 قریب ۸۰۰ نفر کارمند و کارگر دارد، ۶۵٪ سبب ۶۲٪
 پختناری و ۶۲٪ بقیه از کردها و آبادانها تشکیل میشوند.

۷- کجاست با این جمعیت طبقه کارگر نسبت به دیگر طبقات
 تشکیل دهنده جوامع تحت سلطه، در نقش تاریخی و وظایف اساسی
 او در انقلاب ضد امپریالیستی هیچگونه تغییر اساسی ایجاد نمی
 کند. مثال مشخص و برجسته این امر، انقلاب چین و ویتنام
 است. گرچه نسبت جمعیت طبقه کارگر، به طبقات انقلا پس
 دیگر و سرمایه داران، بوده، معذالک نقش رهبری طبقه کارگر ضعیفی
 انگار ناپذیر بوده است.

۸- همین در مقاله "کارکاتوری از مارکسیسم و درباره آگونیسم
 امپریالیستی" در توضیح وجود آگونیسم کارگری در جوامع
 امپریالیستی و کشورهای تحت سلطه و خصوصیات هر کدام چنین

میسوسد : از نقطه نظر اقتصادی اختلاف در آنجاست که در کشورهای ستگربخشی از طبقه کارگر با استفاده از سود مافوقی که برونوازی امپریالیستی این کشورها بدست میآورد ، موقعیت خاصی یافته و از شیوه زندگی بهتری برخوردارند ، که این خود باعث میشود که این تشر از طبقه کارگر کشورهای امپریالیستی همراهِ با برونوازی خود متحصداً علیه ملت‌های تحت ستم عمل نماید .

فائده‌های اقتصادی نشان میدهد که از طبقه کارگر کشورهای ستگربخشی بزرگتری به‌پایا کشیده میشوند ، که منافع شان با

منافع امپریالیسم گره خورده است ، تا از طبقه کارگر ملت‌های تحت

ستم ، به عبارت دیگر درصد بیشتری از کارگران کشورهای

امپریالیستی به اشتراکیت کارگری ارتقا پیدا میکنند تا از کارگران کشور

های تحت ستم ، و این از آنجا ناشی میشود که کارگران ملت‌های

ستگر تا حد معینی از استثمار برونوازی خودی از کارگران و —

توده مردم کشورهای تحت ستم سهم برده و مستقیماً از این منافع

سود میبرند و بعنوان تشر رابط ما بین برونوازی امپریالیستی و کارگران

کشورهای خودی تهدید میگردند .

سپس در مورد موقعیت سیاسی آنها چنین میسوسد : « که

کارگران ملت‌های ستگر در یک بخش وسیعی از زندگی سیاسی در

مقایسه با کارگران تحت ستم ، موقعیت برتری پیدا میکنند . »

لازم بتوضیح است که ما در این مقاله از آریستوکراسی کار

گسنبیری بعنوان يك قشر سخن میگوئیم : بدیهی است که در میان این بخش عناصری یافت میشوند که وجدان و شرف پرولتری آنان میتواند سر مشق کارگران انقلابی قرار گیرد ، عناصری که تمام هستی خود را نثار آرمانهای پرولتاریا کرده اند .

۹ - در اینجا لازم است بنگه ای اشاره شود که سازمانهای نامبرده را نمیتوان منحصرآ " نمایندگان آریستوکراسی کارگری دانست ، اینان علاوه بر آریستوکراسی کارگری نماینده آن بخش از خرده پرولوازی مرفه نیز هستند که در تغییر انقلابی وضع موجود نه تنها هیچگونه منافی ندارند ، بلکه هرگونه تغییر انقلابی نظام موجود منافع آنان را با خطرات جدی مواجه میسازد ؛ آریستوکراسی کارگری و این بخش از خرده پرولوازی بخاطر جهان بینی و سطح درآمد و شیوه زندگی شایسته بسیاری بهم داشته و بهمین جهت نیز ایدئولوژی خود را در روزبه روز تمدن و تشکل خود را در سازمانهای روزبه روز موجود مییابند .

۱۰ - " مسئله ارضی و دهقانان تبه دست در ایران نوشته "

خسرو خسروی .

۱۱ - این نمونه از نشریه کار شماره ۵۰ نقل شده است .

۱۲ - البته بعدها (۲۸ / ۱۰ / ۶۱) ، شورای نگهبان طرح

اصحیاء و واگذاری اراضی مزروعی را مقایسه با شرع اسلام و قانون اساسی

اعلام کرده ؛ (روزنامه جمهوری اسلامی ۲۹ دیماه ۱۳۶۱) .

لذا این طرح نه بخاطر این بود که منافع مالکین را بخطر می...

انداخت و زیرا با مطالعه طرح پنجم در موایم که یکسر در خدمت بزرگ مالکین قرار داشت ، اما از آنجا که از بعضی جنبه ها به حرم " مقدس " مالکیت خصوصی بی احتیاجی می شد ، این طرح مغایر با شرع و تأسیس اساسی جمهوری اسلامی اعلام گردید .

۱۲- در مورد کومه گرچه شکلش فرق میکند ، اما ماهیت آن یکی است . کومه له که مجردیت سیاسی خود را بعنوان یک نیروی سیاسی شناخته شده اساساً با شرکت در جنبش مسلحانه خلق کرد بدست آورده است ، علیرغم بیش از ۵ سال مبارزه مسلحانه در جنبش مزبور ، هنوز هم نتوانسته مضمون واقعی و اهداف و برنامه های این جنبش را برای توده ها تشریح نموده و وظایف آتی و آتی آنرا بدروستی روشن سازد . بدیهی است که بهین اعتبار نتوانسته تاکنون نقش واقعی خود را بعنوان یک نیروی مدعی مارکسیسم - لنینیسم ایفا نماید .

در سال ۶۲ کومه با پیوستن به گروه های برنامه حزب کمونیست (که خود یکی از نیروهای اصلی آن بود) راهی را برگزید که اساساً با جنبش مسلحانه خلق کرد و بطور کلی با هر جنبش رها نهی بخشی ملی در تضاد است برخوردارند چنانچه با کومه له و بطور کلی با جریان " حزب کمونیست " تنها ز به بحث مفصلی دارد که در این توضیحات نمیگنجد .

۱۳- تجویزات انقلابی تمامی جوامع تحت سلطه امپریالیستی ، این حقیقت را بوضوح آشکار میسازد که توده های انقلابی در روند طولانی جنگ رها نهی بخشی ملی پرتله سلطه امپریالیستی است که بتدریج بر مواضع

قدرت سیاسی دست می‌یابند، و در حقیقت ماشین دولتی نه یکبار، بلکه
 بتدریج در هم شکسته و مضحل میگردد.

جریان کسب تدریجی قدرت سیاسی با آزاد شدن مناطق تحت
 اشغال دشمن معنی میدهد. در همین مناطق آزاد شده است که
 پوستانک بولوتری با اجرای برنامه های انقلابی، اقتصاد نوین را
 پایه ریزی کرده و به ترویج فرهنگ انقلابی میپردازد و علاوه
 بر تمامی منافع و روابط امپریالیستی را نسخ مینماید. چنین منطقه ای را اینک
 منطقه سرخ باید نامید.

منطقه سرخ آن مکان اجتماعی است که حکومت کارگران و دهقانان
 در آن مستقر شده و بنیاد آن بنگاه اصلی انقلاب و در
 حقیقت نمونه ای از جامعه دیکراتیک نوین است.

اکنون توده های زحمتکش منطقه برای حفظ دستاوردهای انقلابی و
 فراهم نمودن زمینه های شکوفایی و تکامل آنها مرحله وسیعتر بسیج
 میگردند و از آنجا که شرط بقا این مناطق در گورهای سراسر کشور
 از تبه سلطه امپریالیستی و درهم شکستن کل نظام اجتماعی حاکم
 بر جامعه است، با تهیه سازمان سیاسی - نظامی خود، به درهم
 شکستن کل ارتش ضد خلقی، بنیاد عامل اساسی ابقاء سلطه امپریالیستی
 اقدام مینمایند و با گسترش جنبه انقلابی مناطق پیشتری را
 آزاد نموده و تا زمانی که کامل پیش میروند.

در مناطق آزاد شده و مناطق سرخ، وظایف متعددی در برابر

شاهنگ پسرانری قرار میگیرند که انجام آنها در تحقق انقلاب
تأثیر بسزایی دارد و نیز در همین مناطق است که اشکال دیگر
پرترنوع مبارزه در مسوولان با اهداف انقلاب و نتایج مطلوب
مورد مند خود را بیمار میآورند .

توزیع جمعیت شاغل بر حسب نوع و رشته فعالیت در سالهای ۵۵-۵۱ (به هزار نفر)

۱۳۵۱

امور فنی و تخصصی	خدمات	کشاورزی			صنعت		کل		
		خصوصی	دولتی	کل	خصوصی	دولتی			
-	۲۹۸	۵۱۵	۳۱	۵۴۶	۱۱۵۰	۱۸۳	۱۳۳۳	۲۱۷۷	کل
-	۲۵۱	۵۲	۱۵	۶۹	۷۵۱	۱۲۳	۸۷۴	۱۲۱۲	شهر
-	۲۷	۲۶۱	۱۶	۲۷۷	۳۹۹	۲۰	۴۱۹	۶۶۳	روستا

۱۳۵۵

امور فنی و تخصصی	خدمات	کشاورزی			صنعت		کل		
		خصوصی	دولتی	کل	خصوصی	دولتی			
-	۲۵۷	۶۲۵	۳۹	۶۶۳	۱۸۷۲	۳۱۶	۲۱۸۹	۳۱۱۰	کل
-	۲۰۷	۷۳	۱۸	۹۱	۹۹۵	۲۳۹	۱۲۳۴	۱۵۳۲	شهر
-	۵۰	۵۵۱	۲۱	۵۷۲	۸۷۸	۷۷	۹۵۵	۱۵۷۷	روستا

تلفه‌ها: سازمان دانشجویان ۱۱ بهمن در آمریکا
مؤاداد و همکاران علمی ایران (ارتش و دانشگاهین طلبای ایران)

★★★★★★★★★★

وفقاً ، هموطنان مبارز!

چریکهای فدایی خلق ایران (ارتش
رهاشیمش خلقهای ایران) که برای گسترش
جنگ انقلابی بر علیه امپریالیسم و رژیم
وابسته جمهوری اسلامی به مبارزه خونین
خود ادامه میدهند ، در افواج بسیار بزرگ
کنونی برای پاسخگویی به وظایف انقلابی
خویش در قبال خلقهای تحت ستم جامعه مسان
بیش از پیش نیاز به کمکهای مالی شما
دارند.

کمکهای خود را (با کد) به نشانی
نشریه سیهگل و یا بهر طریق
میتوانید در اختیار سازمان قرار دهید.

سازمان دانشجویی ۱۹ بهمن در آمریکا
هوآنا چریکهای فدایی خلق ایران
(ارتش رهاشیمش خلقهای ایران)

★★★★★★★★★★

سیاهکل

نشریه سازمان دانشجویی ۱۹ بهمن در آمریکا
چریکهای فدائیان خلق ایران (ارتش رهاییبخش خلقهای ایران)

برای حمایت مادی و معنوی خود یادرس زیر با ما تماس بگیرید:

STIAHKAL
P.O. BOX 18416
HOUSTON, TX 77223

سیاهکل

پیش‌بصری تشکیل ارتش خلق و ایجاد مناطق سرخ!

از انتشارات :

چریک‌های فدائی خلق ایران (ارتش رها تیبخش خلق‌های ایران)